

## بررسی نقش مالکیت بانک‌ها در اثرگذاری اعتبارات بانکی بر رشد اقتصادی با توجه به سطح درآمد استان‌ها

حمید ذوالقدر<sup>۱</sup>، \*حسین اصغرپور<sup>۲</sup>، محسن پورعبادالان<sup>۳</sup>، بهزاد سلمانی<sup>۴</sup>، اسداله فرزین‌وش<sup>۵</sup>

۱. دانشجوی دکتری اقتصاد پولی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

۲. استاد دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

۳. دانشیار دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

۴. استاد دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

۵. استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، تهران، ایران

(دریافت: ۱۳۹۶/۸/۷ پذیرش: ۱۳۹۷/۱/۲۷)

## Studying the Role of Bank Ownership in the Effect of Bank Credit on Economic Growth According to the Level of Provinces Income

Hamid Zolghadr<sup>1</sup>, \*Hossein Asgharpur<sup>2</sup>, Mohsen Purebadolahan<sup>3</sup>, Behzad Salmani<sup>4</sup>, Asadollah Farzinvash<sup>5</sup>

1. Ph.D. Student of Monetary Economics, University of Tabriz, Tabriz, Iran

2. Professor, Faculty of Economics and Management, University of Tabriz, Tabriz, Iran

3. Associate Professor, Faculty of Economics and Management, University of Tabriz, Tabriz, Iran

4. Professor, Faculty of Economics and Management, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

5. Professor, Faculty of Economics, Tehran University, Tehran, Iran

(Received: 29/Oct/2017 Accepted: 16/April/2018)

### Abstract:

Banks due to their ownership structure have specific objective in granting credits. Hence, Ownership structure can be impact on economic growth by Influencing banks' lending behavior. Purposes of this study are investigating the role of bank ownership in the impact of bank credit on economic growth with considering income level of provinces. This research is divided banks into state and private also divided provinces into two groups of high and low income. Econometric model of this research is estimated using panel data in 31 provinces during of 2006-2015. Descriptive analysis results showed that average of total credits each year, 21 percent by private banks and 79 percent by state-owned banks is paid. The findings of the model estimation indicate that the impact of both types of banks credit on provinces' economic growth was higher in low income levels compared to provinces with high income levels. The results of the tests conducted to measure the difference in the impact of two types of banks in each region indicated that state banks, with a significant difference compared to private banks, had a greater effect on economic growth in lower-income provinces. But the difference in the effectiveness of two types of bank credit on economic growth in provinces with high income level is not significant. Therefore, structure of bank ownership has effective role on the impact of credits on economic growth due to the income level of the regions.

**Keywords:** Bank Credits, Economic Growth, Ownership of Banks, Government and Private Banks, Income Level of Provinces.

**JEL:** E58, O4, G32.

### چکیده:

بانک‌ها با توجه به ساختار مالکیت خود اهداف خاصی را در اعطای اعتبارات دنبال می‌کنند. فلذا ساختار مالکیت بانک‌ها می‌تواند با تحت تأثیر قرار دادن رفتار وام‌دهی بانک‌ها بر رشد اقتصادی مؤثر واقع شود. از این رو هدف پژوهش حاضر بررسی نقش مالکیت بانکی بر رشد اقتصادی با توجه به سطح درآمد استان‌ها است. در این مقاله، بانک‌ها به دو دسته دولتی و خصوصی و استان‌ها نیز به دو گروه درآمد بالا و پایین تقسیم شده است. مدل اقتصادسنجی تحقیق با استفاده از داده‌های تابلویی ۳۱ استان با بهره‌گیری از پانل پویا طی دوره ۱۳۹۴-۱۳۸۵ برآورد شد. نتایج تحلیل‌های توصیفی نشان داد که به طور متوسط از کل اعتبارات در هر سال ۲۱ درصد توسط بانک‌های خصوصی و ۷۹ درصد توسط بانک‌های دولتی پرداخت می‌شود. یافته‌های تخمین مدل مبین اثرگذاری بیشتر اعتبارات اعطایی هر دو نوع بانک بر رشد اقتصادی استان‌های کم درآمد در مقایسه با استان‌های با سطح درآمد بالا بود. نتایج آزمون‌های صورت گرفته برای سنجش تفاوت در اثرگذاری دو نوع بانک در هر منطقه حاکی از این بود که بانک‌های دولتی با تفاوت معنی‌دار نسبت به بانک‌های خصوصی اثرگذاری بیشتری در رشد اقتصادی استان‌های با سطح درآمد پایین دارند، اما تفاوت در میزان اثرگذاری اعتبارات اعطایی دو نوع بانک بر رشد اقتصادی استان‌های با سطح درآمد بالا معنی‌دار نیست. بر این اساس، نوع مالکیت بانکی در اثرگذاری اعتبارات بر رشد اقتصادی با توجه به سطح درآمد استان‌ها نقش مؤثری دارد.

**واژه‌های کلیدی:** اعتبارات بانکی، رشد اقتصادی، مالکیت بانک‌ها،

بانک‌های دولتی و خصوصی، سطح درآمد استان‌ها.

**طبقه‌بندی JEL:** E58, O4, G32.

\* نویسنده مسئول: حسین اصغرپور

E-mail: Asgharpurh@gmail.com

\*Corresponding Author: Hossein Asgharpur

## ۱- مقدمه

بانکها با جذب پس اندازها از واحدهای دارای مازاد به واحدهای نیازمند به منابع مالی برای سرمایه‌گذاری، تسهیلات اعتباری اعطا می‌کنند و موجب رشد اقتصادی می‌شوند. اعطای اعتبارات بخش مهمی از عملیات هر بانک را تشکیل می‌دهد که نقش اساسی در تأمین منابع مالی فعالیت‌های مختلف اقتصادی دارد. اعتبارات اعطایی برای تأمین نهادهای مختلف تولیدی همچون نیروی کار، سرمایه، فناوری و نیز مواد اولیه صرف می‌شود (پهرامی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۰).

مسئله‌ای که در این بین مطرح می‌شود، تفاوت بین بانکهای دولتی و خصوصی در زمینه تأثیر اعتبارات اعطایی بر رشد اقتصادی استانها است. به عبارت دیگر، نوع مالکیت بانک می‌تواند در اثرگذاری اعتبارات اعطایی بر رشد اقتصادی استانها ایفای نقش نماید. علت این مسئله در آن است که رفتار وام‌دهی بانکها از نوع مالکیت آنها تأثیر می‌پذیرد. در واقع، ساختار مالکیت بانک در اثرگذاری اعتبارات بانکها بر رشد اقتصادی می‌تواند مؤثر باشد (بری و اشکلارک<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵: ۲۹۸). اعتبارات اعطایی بانکها معمولاً بر اساس اهداف خاصی صورت می‌پذیرد. ممکن است، اهدافی چون کسب سود بیشتر و یا ملاحظات اجتماعی را دنبال کنند. به عنوان مثال در برخی موارد، مقامات بالادستی بانکها را مکلف به اعطای تسهیلات خاصی کند که می‌تواند بر رشد اقتصادی تأثیرات متفاوتی داشته باشد. از آنجایی که بانکهای دولتی نسبت به بانکهای خصوصی بیشتر مجبور به پرداخت تسهیلات تکلیفی هستند، فلذا نقش این بانکها در رشد اقتصادی استانها متفاوت از نقش بانکهای خصوصی خواهد بود (باقری و سفیداری، ۱۳۹۱: ۲۷) همچنین محققان پیشین نیز در مطالعاتشان<sup>۲</sup> بیان می‌کنند که بانکهای دولتی به طور ذاتی کارایی کمتری نسبت به بانکهای خصوصی دارند (دلخواه و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۱).

طرفداران مالکیت بخش خصوصی بر بانکها معتقدند که ساختار مالی نامناسب، حجم بالای مطالبات معوق، تخصیص غیر بهینه اعتبارات و عدم پویایی در بانکهای دولتی ناشی از دخالت دولت در این نوع بانکها است که موجب تأثیرگذاری کمتر آنها بر رشد اقتصادی در مقایسه با بانکهای خصوصی از

## کانال اعتبارات می‌شود.

از سوی دیگر تأثیر تسهیلات اعطایی بانکها با توجه به مالکیت آنها در مناطق مختلف می‌تواند متفاوت باشد. برای نمونه اگر مناطق یک کشور از لحاظ سطح درآمد به دو گروه کم درآمد و درآمد بالا تقسیم‌بندی شوند، در آن صورت انتظار بر آن است که بانکهای دولتی، نقش بیشتری در رشد اقتصادی استانهای با سطح درآمد پایین داشته باشند. در این راستا، طرفداران مالکیت دولت بر بانکها معتقدند که بانکهای خصوصی غالباً در مناطقی استقرار می‌یابند که بتوانند با جذب بیشترین سپرده، حداکثر سودآوری را داشته باشند. از این رو فرض بر آن است که بانکهای خصوصی به دلیل ریسک عدم برگشت سرمایه، تمایلی به ارائه اعتبارات در مناطق با سطح درآمد پایین ندارند. پس ضرورت دارد، بانکهای دولتی برای تحقق رشد اقتصادی در مناطق کمتر توسعه یافته با سطح درآمد پایین وارد عمل شوند و رشد اقتصادی را تقویت نمایند. بانکهای دولتی به علت دسترسی به منابع مالی بیشتر و کنترل دولت (به دلایل توسعه‌ای و سیاسی)، قابلیت اعطای اعتبارات در مناطق با سطح درآمد پایین را دارند.

حال این سؤال مطرح می‌شود که با رشد سطح درآمد مناطق، تأثیر اعتبارات اعطایی توسط بانکهای دولتی و خصوصی بر رشد اقتصادی چه تغییری می‌کند، آیا با توجه به نوع مالکیت ضریب اثرگذاری متفاوتی از اعتبارات اعطایی دو نوع بانک بر رشد اقتصادی استانها حاصل می‌شود. جهت بررسی موضوع، بخش دوم پژوهش به ادبیات تحقیق اختصاص دارد. در بخش سوم روش تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد. بخش چهارم به تخمین و تحلیل مدل می‌پردازد و در نهایت در بخش پنجم، مقاله با ارائه جمع‌بندی و نتیجه‌گیری به پایان می‌رسد.

## ۲- ادبیات تحقیق

## ۲-۱- بانکها و رشد اقتصادی

نظریه‌های رشد اقتصادی قدمتی برابر با شکل‌گیری علم اقتصاد دارند. رشد اقتصادی از موضوعات بحث برانگیزی است که در هر دوره با توجه به خصوصیات ساختار اقتصادی، عواملی بر رشد اقتصادی مؤثر بوده‌اند. به طوری که با مرور ادبیات رشد اقتصادی متغیرهای سرمایه فیزیکی، نوآوری، سرمایه انسانی و

1. Brei & Schclarek

۲. برای نمونه می‌توان به مطالعات باقری و سفیدار (۱۳۹۱)، لشکری و هژبر الساداتی (۱۳۸۹) و میکو و پانیز (۲۰۰۶) اشاره کرد.

(سعیدی، ۱۳۸۸: ۱۷۸).

## ۲-۲- مالکیت بانک‌ها و رشد اقتصادی

موضوع مالکیت دولت بر بانک‌ها و اثرات آن بر عملکرد این نهاده‌ها از موضوعات بحث برانگیز محققان اقتصادی بوده است. در مورد اینکه تأثیر اعتبارات اعطایی کدام نوع از بانک‌ها بر رشد اقتصادی بیشتر است، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. برخی معتقدند، بانک‌های دولتی در اعطای اعتبارات با ناکارایی مواجه‌اند. در مقابل برخی دیگر بیان می‌کنند که مالکیت دولت بر بانک‌ها می‌تواند براساس اهداف غیر اقتصادی برای نمونه جبران کاستی و شکست بازار در جهت نیل به اهداف مطلوب جامعه توجیه شود؛ زیرا بانک‌های دولتی صرفاً به دنبال سودآوری نیستند (مگینسون<sup>۷</sup>، ۲۰۰۵: ۱۹۴۵). از طرف دیگر، مردم اعتماد بیشتری به بانک‌های دولتی (به خاطر پشتیبانی دولت) نسبت به بانک‌های خصوصی دارند در نتیجه سپرده‌گذاری در این نوع از بانک‌ها (به خصوص در شرایط بد اقتصادی) را بیشتر ترجیح می‌دهند. در این زمینه قضیه کوز<sup>۸</sup> بیان می‌دارد که نوع مالکیت زمانی که هزینه مبادلات صفر باشد، کارایی اقتصادی را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. اما چون در دنیای واقعی هزینه مبادله صفر وجود ندارد، پس نوع مالکیت می‌تواند کارایی اقتصاد را تحت تأثیر قرار دهد و هزینه‌های مبادلاتی متفاوتی را ایجاد کند که بر رشد اقتصادی مؤثر است. در این راستا، نوع مالکیت بانکی (خصوصی و دولتی) یکی از عوامل تعیین کارایی سیستم بانکی است چرا که وظایف بانک‌ها از نوع مالکیت آنها ناشی می‌شود (کوز، ۱۹۶۰: ۴۴-۱).

گرشنکرون<sup>۹</sup> اولین محقق بود که در سال ۱۹۶۲ نقش دولت را در بانک‌ها، توسعه مالی و رشد اقتصادی مورد بررسی قرار داد. در ادامه محققان با پیروی از آن، پژوهش‌های زیادی در این زمینه انجام دادند. به طور کلی دو دیدگاه در مورد دخالت دولت در بازارهای مالی وجود دارد:

دیدگاه اول: یک ایده «توسعه‌ای» است که توسط اقتصاددانان توسعه همچون گرشنکرون، لوئیس<sup>۱۰</sup> و میردال ارائه شد. این رویکرد طی دوره ۱۹۷۰-۱۹۶۰ به طور گسترده مبنی بر دخالت دولت در بازارهای مالی دنیا از سوی محققان

غیره به عنوان عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی شناخته شده‌اند. از جمله مهم‌ترین این عوامل، تشکیل سرمایه است. در این راستا، مؤسسات پولی و مالی از طریق اجرای سیاست‌های پولی و اعتباری برای تأمین سرمایه مورد نیاز واحدهای تولیدی، نقش مؤثری در رشد اقتصادی ایفا می‌کنند (محرابیان و شفائی، ۱۳۸۹: ۵۴).

بک و همکاران<sup>۱</sup> نشان دادند که رشد اقتصادی بیش از هر عامل دیگر از رشد نهاده‌ها و رشد بهروری کل عوامل تولید ناشی می‌شود و واسطه‌های مالی در کنار بازار مالی در تحریک رشد نهاده‌ها و بهروری کل عوامل تولید نقش اساسی دارند (بک و همکاران، ۲۰۰۰: ۲۶۵).

بکسی و وانگ<sup>۲</sup> معتقدند که واسطه‌های مالی با کاهش هزینه مبادلاتی و حذف اثر منفی اطلاعات نامتقارن در اقتصاد عملکرد اقتصاد بازار را بهبود بخشیده و جهت‌گیری منابع مالی به سمت پروژه‌های سرمایه‌گذاری با بازدهی بالا را موجب شده و منجر به رشد اقتصادی بیشتر می‌شود (دیاموند<sup>۳</sup>، ۱۹۹۱: ۶۹۰؛ لوین و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰: ۳۱).

هامیلتون<sup>۵</sup> استدلال می‌کند که بانک‌ها بهترین موتورهایی بودند که برای رشد اقتصادی طراحی شدند. در مقابل، برخی محققان حضور بانک‌ها و واسطه مالی در اقتصاد را مضر دانسته و معتقدند که واسطه‌های مالی بر رشد اقتصادی کشورها تأثیر منفی دارد. دیدگاه سوم، جهت‌گیری را از سمت رشد اقتصادی به طرف واسطه‌گری مالی می‌داند؛ به عبارت دیگر این دیدگاه رشد اقتصادی بالاتر را عامل گسترش فعالیت مالی بیان می‌کند (لوین و همکاران، ۲۰۰۰: ۳۴؛ لوین، ۲۰۰۲: ۴۰۴-۴۰۰).

لوین (۱۹۹۷) پنج مسیر را شناسایی کرد که واسطه‌های مالی از طریق آن کانال‌ها می‌تواند رشد اقتصاد را تحت تأثیر قرار دهد. این کانال‌ها عبارتند از: فراهم کردن اطلاعات پیش از اجرای طرح، نظارت بر سرمایه‌گذاری، مدیریت بهتر ریسک، جابجایی پس‌انداز و تسهیل مبادلات کالا و خدمات (فریکزاس و روچت<sup>۶</sup>، ۲۰۰۸: ۲۲). این کانال‌ها از طریق انباشت سرمایه و ابداعات فناوری جدید بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارند

1. Beck et al. (2000)
2. Becsi & Wang (1997)
3. Diamond (1991)
4. Levine et al. (2000)
5. Hamilton (1781)
6. Freixas & Rochet (2008)

7. Megginson (2005)

8. Coase (1960)

9. Gershenkron (1962)

10. Lewis

کل<sup>۶</sup> شواهدی به دست آوردند که نشان می‌داد، ناکارآمدی بانک‌های دولتی با سیاسی بودن آنها مرتبط است (دینش<sup>۷</sup>، ۲۰۰۵: ۴۷۵؛ کلیسنس و همکاران، ۲۰۰۱: ۹۰۵؛ کل<sup>۸</sup>، ۲۰۰۹: ۲۲۵). در این راستا، مگینسون و بوبکری و همکاران<sup>۹</sup> تأکید دارند که مالکیت بخش خصوصی بر بانکها موجب افزایش کارایی در ساختار بانکی و اقتصاد می‌شود (کلارک و همکاران<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۵: ۱۹۱۰).

مطالعات قبلی در رابطه با نوع اثرگذاری مالکیت بانکی بر رشد اقتصادی از کانال اعتبارات، نتایج متفاوتی به دست آوردند؛ به طوری که لاپورتا و همکاران<sup>۱۱</sup> استدلال می‌کنند که بانک‌های دولتی اثر سوء بر بهره‌وری، رشد اقتصادی و توسعه سیستم مالی دارند (لاپورتا و همکاران، ۲۰۰۲: ۲۶۸). همچنین کورنت و همکاران<sup>۱۲</sup> معتقدند، بانک‌های دولتی نسبت به بانک‌های خصوصی از سوددهی کمتر و ریسک بیشتر برخوردارند (کورنت و همکاران، ۲۰۱۰: ۷۵). اخیراً یافته‌های برخی مطالعات حاکی از تأثیر مثبت مالکیت دولت بر رشد اقتصادی است. کورنر و اشناپل<sup>۱۳</sup> معتقدند در کشورهای با سیستم مالی توسعه یافته و نهادهای با کیفیت، بانک‌های دولتی تأثیر مثبت بر رشد تولید ناخالص سرانه واقعی دارند و در کشورهایی که با مشکل عدم توسعه یافتگی در سیستم مالی و نهادهای مالی مواجه‌اند، بانک‌های دولتی تأثیر منفی بر رشد اقتصادی دارند (کورنر و اشناپل، ۲۰۱۱: ۴۰۷).

همچنین اوندرو و اوزی ایلدرم<sup>۱۴</sup> نشان می‌دهند که تأثیر اعتبارات اعطایی بانک‌های دولتی بر رشد اقتصاد مثبت است (اوندرو و اوزی ایلدرم، ۲۰۱۰: ۹۹۷). با توجه به مطالب مطرح شده برخی طرفدار مالکیت دولت بر بانکها بوده و برخی دیگر مالکیت دولت بر بانکها را مناسب نمی‌دانند. در جدول ۱ دلایل طرفداران هر دو دیدگاه به صورت مختصر ارائه شده است.

مورد حمایت قرار گرفت به طوری که دولت‌ها در چند کشور در حال توسعه از جمله هند، بانک‌های تجاری موجود را ملی اعلام کردند. گرشنکرون به عنوان ارائه کننده این نظریه معتقد است به دلیل تأثیر مثبت توسعه مالی بر رشد اقتصادی، ضروری است که دولت در کشورهایی که از توسعه مالی برخوردار نیستند، وارد عمل شده و زمینه توسعه مالی را با ایجاد بانکها فراهم آورند (گرشنکرون، ۱۹۶۲: ۴۱۶). لوئیس و سایر محققان معتقدند که برای رسیدن به رشد اقتصادی مطلوب، مالکیت بخش دولتی بر بانکها، بخصوص در کشورهای در حال توسعه ضروری است (مگینسون، ۲۰۰۵: ۱۹۴۹). زیرا بانکها با انجام عمل غربالگری، پس‌اندازها را به سمت طرح‌های پر بازده سوق می‌دهند. علاوه بر این بانک‌های دولتی می‌توانند با حذف اطلاعات نامتقارن، نیازها و کمبودهای منابع مالی واحدهای تولیدی را تحت پوشش قرار دهند. این در حالی است که بانک‌های خصوصی با توجه به هدف سودآوری به افراد معدودی اعطای اعتبار می‌کنند. همچنین به خاطر سطح ریسک بالاتر می‌توانند زمینه‌ساز بحران‌های بانکی باشند.

برتای و همکاران<sup>۱</sup>، بری و اشکلارک<sup>۲</sup> و کلمن و فلر<sup>۳</sup> نشان دادند که مالکیت دولتی به خصوص در کشورهای در حال توسعه تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارند. آنها معتقدند در شرایط بحرانی اقتصاد، بانک‌های دولتی فعالیت‌ها و اقدامات ضد ادواری را در اقتصاد انجام می‌دهند و سعی بر آن دارند که اقتصاد را از سقوط به رکود عمیق تر رهایی بخشند. در حالی که بانک‌های خصوصی در شرایط بحرانی میزان وام‌دهی‌شان را کاهش می‌دهند (بری و اشکلارک، ۲۰۱۳: ۸۲۳؛ برتای و همکاران، ۲۰۱۴: ۳۲۶؛ کلمن و فلر، ۲۰۱۵: ۶۳).

دیدگاه دوم: این دیدگاه بیشتر ماهیت «سیاسی» دارد در واقع علت دخالت دولت در بازارهای مالی را کنترل سرمایه‌گذاری به نفع خود می‌دانند. گرشنکرون (۱۹۶۲) معتقد است دخالت دولت در بانکها باعث می‌شود، وام‌دهی بانکها بر اساس اهداف سیاسی برای تأمین خدمات دولت باشد چرا که همیشه دولت تمایل به سرمایه‌گذاری در طرح‌های پر بازده و مطلوب اجتماعی را ندارد. دینش<sup>۴</sup>، کلیسنس و همکاران<sup>۵</sup> و

6. Cole (2009)

7. Dinç (2005)

8. Cole (2009)

9. Boubakri et al.

10. Clarke et al. (2005)

11. Laporta et al. (2002)

12. Cornett et al. (2010).

13. Korner &amp; Schnabel (2011)

14. Onder &amp; Ozyildirim (2010)

1. Bertay et al. (2014)

2. Brei &amp; Schclarek (2013)

3. Coleman &amp; Feler (2015)

4. Dinç (2005)

5. Claessens et al. (2001)

**جدول ۱. دیدگاه و نتایج تحقیقات محققان مبنی بر مالکیت دولت**

بر بانک‌ها

نظرات طرفداران مالکیت بخش خصوصی بر بانک‌ها	نظرات طرفداران مالکیت بخش دولتی بر بانک‌ها
۱- مالکیت دولت در دنیا بر بانک‌ها چشمگیر بوده و موجب کند شدن توسعه مالی شده است.	۱- مالکیت دولت‌ها بر بانک‌ها، در زمان وقوع بحران‌های مالی و برخورد با مشکل انحصار طبیعی می‌تواند مفید باشد.
۲- مالکیت دولت بر بانک‌ها عامل رشد پایین درآمد سرانه و رشد بهره‌وری است.	۲- مالکیت دولت بر بانک‌ها در راستای کسب حداکثرسازی سود نیست بلکه برای تحقق اهداف اقتصادی و اجتماعی است.
۳- دخالت دولت منجر به ساختار مالی ناکارآمد، رشد معوقات بانکی و تخصیص غیر بهینه اعتبارات می‌شود.	۳- مالکیت دولت بر بانک‌ها بر توزیع مجدد درآمد کمک می‌کند.
۴- دلیل مالکیت دولتی بر بانک‌ها ناشی از یک نگرش سیاسی است.	۴- در صورت کمبود سرمایه، بانک‌های دولتی تخصیص اعتبارات به نیازهای اساسی جامعه را در اولویت قرار می‌دهند.
۵- خصوصی سازی بخش دولتی به مسئولیت پذیری و ارتقاء شفافیت در این بخش کمک خواهد کرد.	۵- بانک‌های دولتی به دلیل پشتوانه دولتی با ریسک کمتری مواجه‌اند که موجب اطمینان زیاد و جذب سپرده بیشتر می‌شود.
۶- به عنوان یک خزانه ملی در اختیار دولت بوده و منبع تأمین کسری‌های مداوم و بی‌انضباطی دولت است.	۶- به دلیل وجود اطلاعات نامتقارن، این نوع بانک‌ها قرارداد میان تولیدکنندگان و عموم مردم را تعدیل کرده و موجب اطمینان سپرده‌گذاران می‌شود.
۷- دولتی بودن، بانک‌ها را در حد یک کارگزاری تبدیل کرده که به دریافت وجوه حقوق کارکنان دولت می‌پردازد.	۷- مالکیت دولت بر بانک‌ها، مخاطرات اخلاقی از قبیل کژگزینی را به حداقل ممکن می‌رساند.

مأخذ: (مجتهد و حسن‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۵۱؛ مجتهد و محرابی، ۱۳۸۷: ۴۲ و ۱۲۳؛ باقری و سفیداری، ۱۳۹۱: ۳۲-۲۶).

**۲-۳- اعتبارات بانکی و ناهمگنی مناطق**

مطالعات منطقه‌ای با تأکید بر ابعاد ملی در کشورهای توسعه یافته به دلیل توسعه مقارن و هماهنگ استان‌ها چندان اهمیتی ندارد در حالی که ناهمگنی مناطق در کشورهای در حال توسعه به دلیل رشد نامتوازن حائز اهمیت بوده و تحقیقات متعددی در این زمینه صورت گرفته است. ناهمگنی در مناطق

عواقب اقتصادی و اجتماعی زیادی از قبیل مهاجرت، کاهش تولید و سایر بحران‌ها را در بر دارد (محمودزاده و علمی، ۱۳۹۱: ۱۳۳). از این رو، رشد متوازن مناطق از اهداف اساسی دولت در هر کشوری است. آنچه که مسلم است، ناهمگنی و نابرابری در مناطق از عوامل گوناگونی ناشی می‌شود این عوامل می‌تواند انسانی، جغرافیایی، عدم دسترسی به منابع مالی، عدم دسترسی به تکنولوژی، دوری از مرکز و غیره باشد. برخی اقتصاددانان بر این عقیده‌اند که تفاوت اقتصادهای مناطق ناشی از وجود تکنولوژی در مناطق توسعه یافته نیست، بلکه میزان توسعه یافتگی مناطق از وجود بازارهای مالی یکپارچه و گسترده در آنها نشأت می‌گیرد (امام‌وردی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۶).

تئوری‌های مبنی بر اینکه نابرابری شرط لازم برای بقا انباشت سرمایه است از سوی محققانی چون آلسینا و رودریک<sup>۱</sup> و پرسون و تابلینی<sup>۲</sup> رد شد. آنها با بهره‌گیری از مبنای اقتصاد سیاسی کانال‌های مالی را علت ناهمگنی مناطق معرفی کردند (محمودزاده و علمی، ۱۳۹۱: ۱۳۴). در ادامه محققان در مطالعاتشان نشان دادند که یکی از فاکتورهای اساسی که در توسعه یافتگی مناطق می‌تواند نقش داشته باشد، ایجاد مؤسسات مالی و پولی در آن مناطق است. همچنین معتقدند برای داشتن مناطق همگن و رشد متوازن، تزریق منابع مالی در راستای ایجاد زیرساخت‌ها در مناطق کمتر توسعه یافته ضرورت دارد (پنگ و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰: ۱۰).

یکی از کانال‌های انتقال منابع مالی به مناطق کمتر توسعه یافته برای تحریک رشد اقتصادی، روش تأمین مالی غیرمستقیم یا همان بانک‌ها است که می‌توانند با اعطای اعتبارات در این مناطق نابرابری را کاهش دهند. یانگ و لی<sup>۴</sup> اذعان می‌دارند که به کارگیری سیاست همسان در توزیع اعتبارات در مناطق مختلف منجر به رشد برابر مناطق می‌شود و در غیر این صورت تبعیض و شکاف منطقه‌ای رخ خواهد داد (یانگ و لی، ۲۰۰۴: ۱۱۹).

محققان دیگر چون یینگ<sup>۵</sup> و هو<sup>۶</sup> نشان دادند که توزیع نابرابر اعتبارات موجب نابرابری مناطق شده است. در چند دهه

1. Alesina & Rodrik (1994)  
2. Persson & Tabellini (1994)  
3. Peng et al. (2010)  
4. Yang & Li (2004)  
5. Ying (2000)  
6. Hao (2006)

بررسی قرار داد. نتایج این پژوهش نشان داد که توسعه مالی به صورت معنی‌دار، رشد اقتصادی استان‌های ساحلی را افزایش داده است. او به این نتیجه رسید که توسعه مالی ضعیف در استان‌های داخلی می‌تواند به رشد نامتوازن و ناهمگن مناطق دامن بزند (لیانگ، ۲۰۰۶: ۱). کورنت و همکاران<sup>۴</sup> در مقاله‌ای، تأثیر مالکیت دولت بر عملکرد متفاوت بانک‌های خصوصی و دولتی را با یکدیگر مقایسه کردند. برای بررسی روابط بین متغیرها از روش پانل دیتای طی دوره ۲۰۰۴-۱۹۸۹ بهره گرفتند. یافته‌ها مبین این بود که بانک‌های دولتی با سرمایه هسته‌ای<sup>۵</sup> و سود کمتر عمل کرده و نسبت به بانک‌های خصوصی ریسک اعتباری بیشتری را تحمل می‌کنند. مطابق یافته این مطالعه بانک‌های دولتی در اثر بحران مالی آسیا و وخامت در بازده جریان نقدی طی دوره ۲۰۰۰-۱۹۹۷ نسبت به بانک‌های خصوصی از کیفیت اعتباری بالاتری برخوردار بودند. آنها دریافتند، تفاوت عملکرد بین دو نوع بانک در کشورهایی که دخالت دولت و فساد سیاسی<sup>۶</sup> در سیستم بانکی زیاد بوده، معنی‌دار است (کورنت و همکاران، ۲۰۱۰: ۷۴). آندرانوا و همکاران<sup>۷</sup> به صورت بین کشوری و با استفاده از روش پانل دیتا، تأثیر مالکیت دولت بر بانک‌ها و مؤسسات را بر رشد اقتصادی طی دوره ۲۰۰۷-۱۹۹۵ بررسی کردند. نتایج نشان داد، مالکیت دولت بر بانک‌ها با رشد بلندمدت اقتصادی رابطه قوی دارد (آندرانوا و همکاران، ۲۰۱۰: ۴۴۹).

اوندر و اوزی‌یلدرم<sup>۸</sup> به بررسی این فرض که بانک‌های دولتی در کاهش نابرابری و رشد اقتصادی مناطق توسعه‌نیافته از کانال اعطای اعتبارات نقش مؤثرتری نسبت به بانک‌های خصوصی دارند، پرداختند. آنها این فرضیه را با استفاده از داده‌های تابلویی برای استان‌های کشور ترکیه طی دوره ۲۰۰۰-۱۹۹۱ بررسی کردند که پیش فرض این مطالعه مورد قبول واقع نشد. به طوری که یافته‌ها مبین این بود که بانک‌های دولتی در رشد اقتصادی استان‌های توسعه‌نیافته بیشتر نقش دارند و در رشد اقتصادی استان‌های توسعه‌نیافته مؤثر نیستند. همچنین تأثیر وام‌دهی بانک‌های خصوصی بر رشد سرانه تولید ناخالص حقیقی همه استان‌ها مثبت بود. آنها نشان

اخیر بحث تأمین مالی خرد برای ایجاد رشد اقتصادی و همسو با آن ایجاد اشتغال و توانمندسازی مناطق کم درآمد از سوی بانک‌ها مطرح شده است و در این بین تأکید بیشتر بر حمایت مالی از مناطق محروم مانند روستاها است. بانک جهانی نیز هدف اعطای این نوع اعتبارات را ایجاد رشد اقتصادی و اشتغال و بهبود سطح رفاه می‌داند (هو، ۲۰۰۶: ۳۴۷).

در همین راستا، پنگ و همکاران با تأکید بر اهمیت مالکیت بانکی در کاهش ناهمگنی مناطق بیان می‌کنند که توزیع بانک‌ها و مؤسسات مالی در مناطق کمتر توسعه‌یافته منجر به کاهش نابرابری مناطق می‌شود. در این بین بانک‌های دولتی با اعطای اعتبارات می‌توانند در کاهش ناهمگنی منطقه‌ای نسبت به بانک‌های دیگر مؤثرتر باشند. چرا که بانک‌های دولتی به خاطر داشتن اهداف اقتصادی (مانند ایجاد رشد متوازن)، اهداف اجتماعی و ملاحظات سیاسی، برای اخذ وام محدودیت کمتری قائل می‌شوند (پنگ و همکاران، ۲۰۱۰: ۲۴). در مقابل اوندر و اوزی‌یلدرم<sup>۱</sup> به صورت تجربی نشان می‌دهند که اعتبارات اعطایی توسط بانک‌های دولتی تنها در رشد اقتصادی مناطق توسعه‌یافته مؤثر بوده و در رشد اقتصادی مناطق کمتر توسعه‌یافته نقشی ندارد (اوندر و اوزی‌یلدرم، ۲۰۱۳: ۲۴).

## ۲-۴- پیشینه تحقیق

### ۲-۴-۱- مطالعات خارجی

لوین و همکاران<sup>۲</sup> ابتدا اثر توسعه‌یافتگی واسطه‌های مالی را بر رشد اقتصادی بررسی کردند و سپس به صورت بین کشوری علت سطح متفاوت توسعه‌یافتگی واسطه‌های مالی را براساس قوانین و سیستم حسابداری هر کشور بررسی نمودند. آنها بدین منظور از روش پانل دیتای پویا استفاده کردند. نتایج بیانگر تأثیر مثبت توسعه واسطه‌های مالی بر رشد اقتصادی بود. همچنین نتایج نشان داد که قوانین و شیوه حسابداری هر کشور می‌تواند در افزایش توسعه مالی و سرعت بخشیدن به رشد اقتصادی مؤثر باشد (لوین و همکاران، ۲۰۰۰: ۳۱).

لیانگ<sup>۳</sup> اثر میزان توسعه مالی را بر روند رشد اقتصادی استان‌های چین با استفاده از روش داده‌های تابلویی مورد

4. Cornett et al.

5. Core Capital

6. Political Corruption

7. Andrianova et al. (2010)

8. Onder & Ozyildirim (2010)

1. Onder & Ozyildirim (2010)

2. Levine et al. (2000)

3. Liang (2006)

بری و اشکلرک<sup>۳</sup> به صورت تجربی نقش بانک‌های دولتی را زمان وقوع بحران‌های مالی بررسی کردند. به عبارتی در این مطالعه، وام‌دهی بانک و مقایسه وام‌دهی بانک‌های خصوصی و دولتی در پاسخ به شوک‌های مالی در ۵۰ کشور طی دوره ۲۰۰۹-۱۹۹۴ با استفاده از روش رگرسیون پانل تودرتو یا آشیانه‌ای<sup>۴</sup> (چارچوبی است که امکان انتقال پارامترها در معادله وام‌دهی بانک وجود دارد)<sup>۵</sup> مورد آزمون قرار دادند. محققان این پژوهش دریافتند که میزان وام‌دهی بانک‌های دولتی در طی دوره بحران افزایش و وادام دهی بانک‌های خصوصی در شرایط مزبور کاهش می‌یابد و بانک‌های دولتی کاهش اعطای اعتبارات از طرف بانک‌های خصوصی را تحت پوشش قرار می‌دهند و نقش اساسی را در کاهش اثر منفی سیکل‌های نامتقارن تجاری بر رشد اقتصادی ایفا می‌کنند (بری و اشکلرک، ۲۰۱۳: ۸۲۰).

برتی و همکاران<sup>۶</sup> در پژوهشی رابطه بین مالکیت بانکی و اعتبارات اعطایی بانک‌ها در دوره‌های سیکل‌های اقتصادی در ۱۱۱ کشور که شامل ۱۶۳۳ بانک بود را بررسی کردند. در واقع آنها به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال بودند که آیا وام‌دهی توسط بانک‌های دولتی کمتر ادواری<sup>۷</sup> یا ضد سیکلی است؟ آنها نشان دادند در کشورهای با حکمرانی خوب و با درآمد بالا، اعطای وام توسط بانک‌های دولتی بیشتر از بانک‌های خصوصی ضد ادوار تجاری است. براساس نتایج این تحقیق در دوره‌های بی‌ثباتی مالی، اعطای اعتبارات توسط بانک‌های دولتی به صورت مداوم انجام می‌گیرد (برتی و همکاران، ۲۰۱۴: ۳۲۶).

برکویتز و همکاران<sup>۸</sup> برای پاسخ به این سؤال که آیا خصوصی سازی بانک‌های دولتی، امور مالی و رشد اقتصادی را بهبود می‌بخشد یا خیر؟ با استفاده از داده‌های سری زمانی، تأثیر خصوصی سازی بانک‌های دولتی را بر بخش مالی و رشد اقتصادی مناطق مختلف کشور روسیه مورد آزمون قرار دادند. یافته‌های این تحقیق بیانگر این بود که خصوصی شدن بانک‌ها میزان وام‌دهی را در هر یک میلیون نفر در ۱۰ سال از

دادند که بانک‌های دولتی در کاهش نابرابری منطقه‌ای از کانال اعتبارات ناتوان هستند (اوندر و اوزی‌ایلدرم، ۲۰۱۰: ۹۷۵).

پنگ و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) رابطه بین توسعه مالی منطقه‌ای (بانک‌های دولتی و تعاونی‌های اعتباری) و نابرابری منطقه‌ای را بررسی کردند. آنها با استفاده از آزمون‌های ریشه واحد و هم‌انباشتگی طی دوره ۲۰۰۴-۱۹۸۶ اثر وام‌دهی بانک‌های دولتی و تعاونی‌های اعتباری را بر رشد مناطق بررسی کردند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که نابرابری در توزیع مؤسسات مالی موجب ناهمگنی در رشد مناطق شده است. علاوه بر این یافته‌ها مبین این بود که وام‌دهی تعاونی‌های اعتباری نسبت به وام‌دهی بانک‌های دولتی بیشتر در کاهش نابرابری منطقه‌ای و ایجاد رشد متوازن مؤثر هستند (پنگ و همکاران، ۲۰۱۰: ۱).

کندال<sup>۲</sup> با استفاده از داده‌های رشد اقتصادی در سطح مناطق، ارتباط بین توسعه بخش بانکی، سرمایه انسانی و رشد اقتصادی را در ۲۰۹ منطقه و در ۹ ایالت کشور هند طی دو مقطع زمانی ۱۹۹۲-۱۹۹۱ و ۲۰۰۱-۲۰۰۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. آنها به این نتیجه رسیدند که محدودیت مالی در مناطق، ناشی از عدم توسعه بانکداری منطقه است. از نتایج حاصل شده دریافتند که ارتباط بین این دو متغیر غیر خطی است. همچنین آنها نشان دادند در طی دوره مورد مطالعه با کاهش نسبت اعطای اعتبارات اعطایی به تولید ناخالص داخلی از ۷۵ درصد به ۲۵، میزان رشد اقتصادی نیز حدود ۴ درصد کاهش یافته است (کندال، ۲۰۱۲: ۱۵۴۸).

اوندر و اوزی‌ایلدرم دوباره فعالیت وام‌دهی بانک‌های دولتی و خصوصی را در دو سطح (استان‌های توسعه یافته و در حال توسعه) طی دوره‌های بحران‌های اقتصادی و سیاسی (ایام انتخابات) بر رشد اقتصادی کشور ترکیه بررسی کردند. برای تجزیه و تحلیل روابط بین متغیرها از روش اقتصادسنجی پانل دیتا در بازه زمانی ۲۰۱۰-۱۹۹۲ بهره جستند. نتایج این تحقیق نشان داد که سهم اعطای اعتبارات بانک‌های دولتی در سال‌های انتخاباتی و بحران اقتصادی نسبت به سال‌های دیگر به صورت معنی‌دار بالا بوده و سرانه اعتبارات اعطایی بانک‌های دولتی در دوره رکود اقتصادی بر رشد اقتصادی همه استان‌های کشور ترکیه تأثیر مثبت داشت (اوندر و اوزی‌ایلدرم، ۲۰۱۳: ۱۳).

3. Brei & Schclarek (2013)

4. Nested Panel Regression

5. Framework that Allows for Parameter Shifts in the Bank Lending Equation

6. Bertay et al. (2014)

7. Less Procyclical

8. Berkowitz et al. (2014)

1. Peng et al. (2010)

2. Kendall (2012)

## ۲-۴-۲- مطالعات داخلی

در مطالعات داخلی نقش مالکیت و سطح توسعه‌یافتگی در اثر گذاری اعتبارات بانکی بر رشد اقتصادی مطالعه نشده است. تمامی مطالعات در زمینه اثرگذاری اعتبارات بانکی بر رشد اقتصادی بدون توجه به مالکیت در سطح کشوری صورت گرفته که به صورت مختصر به چند مورد آن در جدول (۲) اشاره می‌شود.

## جدول ۲. خلاصه‌ای از پیشینه مطالعات داخلی

محققان (سال)	عنوان پژوهش	روش سنجی و دوره زمانی	نتایج به دست آمده
(سعیدی، ۱۳۸۸: ۱۶۷)	نقش تسهیلات شبکه بانکی بر رشد و توسعه استان گلستان	پانل دیتا (۱۳۸۵-۱۳۷۷)	تسهیلات بانکی به عنوان مکمل سرمایه تولیدکننده، نقش مهمی در سرمایه‌گذاری و رشد تولید در استان گلستان دارد.
(محرابی و شفقانی، ۱۳۸۹: ۵۳)	تأثیر اعتبارات بانکی بر رشد اقتصادی ایران	مدل VAR (۱۳۵۸-۸۷)	اثر مثبت اعتبارات اعطایی (بر بخش غیر دولتی) بر رشد اقتصادی
(بهرامی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۷)	تأثیر اعتبارات بانکی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه	روش GMM	تأثیر منفی و معنی‌دار اعطای اعتبارات بر رشد اقتصادی
(رضایی و سلیمی‌فر، ۱۳۹۳: ۶۸)	بررسی رابطه بین توسعه مالی منطقه‌ای و رشد اقتصادی	پانل دیتا (۱۳۷۹-۹۰)	رابطه مثبت بین توسعه مالی منطقه و رشد اقتصادی
(محمدنژاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱)	تحلیل ارتباط بین اعتبارات بانکی و رشد اقتصادی	رهیافت شبه بیزین (۱۳۷۰-۸۹)	تأثیر معنی‌دار تسهیلات بانک‌ها بر رشد اقتصادی بخش غیرنفتی
(ابوترابی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۹)	اثر مالکیت دولتی بانک‌ها بر رابطه علی توسعه مالی- رشد اقتصادی ایران	آزمون علیت و (VCEM) (۱۳۸۹-۱۳۵۸)	علیت معکوس از رشد اقتصادی به توسعه مالی وجود دارد. مالکیت بانکی در توسعه مالی نقش مؤثر دارد به طوری که دخالت دولت در بانک‌ها موجب کندی توسعه مالی می‌شود.

مأخذ: یافته‌های مطالعات پیشین (۱۳۸۸-۱۳۹۴)

همان‌طوری که ملاحظه می‌شود در مطالعات داخلی تأثیر اعتبارات اعطایی بانک‌ها بر رشد اقتصادی استان‌ها بررسی نشده، همچنین محققان قبلی در تحقیقات خود اثرات اعتبارات

۱۱ درصد به ۲۲ درصد افزایش داده اما سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی مناطق افزایش نیافته است. با این حال نتایج موید این بود که با خصوصی‌سازی بانک‌ها رشد اقتصادی به میزان یک درصد افزایش می‌یابد در صورتی که ارتباط سیاسی بانک‌ها در حداقل ممکن باشد و از حقوق مالکیت معنوی حمایت شود (برکویتز و همکاران، ۲۰۱۴: ۹۳).

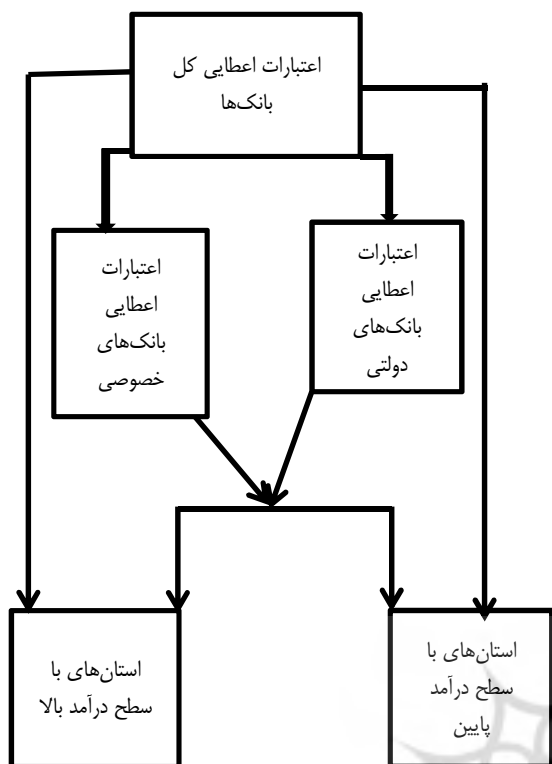
کلمن و فلر<sup>۱</sup> با به کارگیری روش پانل معمولی رابطه بین مالکیت بانکی، وام‌دهی و عملکرد اقتصادی مناطق را در بحران مالی ۲۰۰۹-۲۰۰۸ مورد ارزیابی قرار دادند. نتایج این تحقیق نشان داد در کشور برزیل مناطقی که از سهم بالای بانک‌های دولتی برخوردارند وام‌های بیشتری دریافت می‌کنند و در نتیجه از لحاظ اشتغال نسبت به مناطقی که سهم کم‌تری از بانک‌های دولتی دارند از وضعیت بهتری برخوردارند. محققان این پژوهش بیان می‌کنند که وام‌دهی بانک‌های دولتی بیشتر با هدف سیاسی، ناکارایی در تخصیص و عدم رشد بهره‌وری مواجه است (کلمن و فلر، ۲۰۱۵: ۵۰).

دونگ و همکاران<sup>۲</sup> برای پاسخ به این سؤال که آیا مالکیت دولت در دسترسی به وام‌های بانکی تعیین کننده است؟ از یک نمونه ۷۰۲۳۰ بنگاه طی دوره ۲۰۰۷-۱۹۹۸ برای بررسی رابطه بین مالکیت دولت و دسترسی به منابع بانکی استفاده کردند. یافته‌های این تحقیق حاکی از این بود که مالکیت دولت لزوماً منجر به دسترسی بهتر به وام بانکی نمی‌شوند هر چند در بعضی مقاطع زمانی رابطه مثبت بین دو متغیر برقرار باشد (دونگ و همکاران، ۲۰۱۶: ۷۳).

دیالو و آل‌تی‌تی<sup>۳</sup> رابطه بین رشد اقتصادی مناطق و دسترسی به اعتبارات بانکی را در ۱۸ کشور اروپا به صورت نظری و تجربی مطالعه کردند. آنها با فرض وجود رقابت انحصاری بین محصولات متمایز سیستم بانک‌ها از مدل رشد اسپام‌ترین<sup>۴</sup> استفاده کردند. نتایج این تحقیق نشان داد که دسترسی به اعتبارات تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی مناطق دارد. همچنین آنها نشان دادند که دسترسی بیشتر به اعتبارات برای ایجاد رشد توأم با نوآوری اهمیت بسزایی دارد (دیالو و آل‌تی‌تی، ۲۰۱۷: ۴۱۰).

1. Coleman & Feler (2015)
2. Dong et al. (2016)
3. Diallo & Al-Titi (2017)
4. Schumpeterian





شکل ۱. چارچوب شکلی مدل  
 مأخذ: (اوندر اوزی ایلدرم، ۲۰۱۳: ۱۶)

### ۳-۱- مدل تحقیق

هدف این تحقیق بررسی نقش مالکیت بانک‌ها در اثرگذاری اعتبارات بانکی بر رشد اقتصادی با توجه به سطح درآمد استان‌ها است. به این منظور از الگوی تجربی اوندرو اوزی ایلدرم (۲۰۱۳) پیروی می‌شود. با انجام تعديلات در الگوی تجربی مذکور، مدل مطالعه حاضر به صورت زیر تصریح می‌شود:

(۱)

$$Y_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 GBC_{i,t} + \beta_2 PBC_{i,t} + \beta_3 PEX_{i,t} + \beta_4 URB_{i,t} + \beta_5 HUM_{i,t} + \beta_6 Y_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t} + \mu_i$$

که در آن  $i$  استان و  $t$  سال بوده، سایر متغیرها نیز به صورت زیر معرفی می‌شود:

$Y$ : لگاریتم GDP سرانه واقعی استان (استان‌ها برحسب سطح درآمد به دو گروه با سطح درآمد بالا و پایین تقسیم می‌شود)؛

$GBC_{i,t}$ : میزان سرانه اعتبارات اعطایی بانک‌های دولتی در هر استان؛

اعطایی بانک‌های دولتی و خصوصی را بر رشد اقتصادی در سطح ملی و منطقه‌ای مورد توجه قرار نداده‌اند. شایان ذکر است با مرور بر نتایج مطالعات بین‌المللی عواملی از قبیل درجه توسعه‌یافتگی مناطق و نوع مالکیت بانکی می‌توانند در اثرگذاری تسهیلات اعطایی بانک‌های دولتی و خصوصی بر رشد اقتصادی نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند که در مطالعه داخلی بررسی نشده است. حتی در مطالعه ابوترابی و همکاران در سال ۱۳۹۴، این سؤال مطرح شده است که آیا عملکرد بانک‌های تخصصی در تشویق رشد و توسعه بخشی کارآمد بوده یا خیر؟ (ابوترابی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۱). که پژوهش حاضر سعی دارد با استفاده از روش اقتصادسنجی پانل دیتای پویا نقش مالکیت بانکی را با توجه به درجه توسعه‌یافتگی استان‌ها بر رشد اقتصادی استان‌ها از کانال اعطای تسهیلات بررسی کند تا بتواند با ارائه نتایج مطلوب راه‌گشای مسائل و سؤالات مطرح شده باشد.

### ۳- روش شناسی تحقیق

به طور کلی، اقتصاد کشور طبق تعریف ماده ۴۴ قانون اساسی به سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی تقسیم می‌شود که نوع مالکیت سهام از مهم‌ترین ارکان این تقسیم بندی است. مبنای قانونی شناسایی بانک‌های دولتی در چارچوب تعریف شرکت‌های دولتی، طبق ماده ۴ قانون محاسبات عمومی کشور عبارتست از «هر شرکت تجاری که از طریق سرمایه‌گذاری دولتی ایجاد شود و بیش از ۵۰ درصد سهام آن متعلق به دولت باشد، شرکت دولتی محسوب می‌شود» (امینی و امامی، ۱۳۹۰: ۱۲). بر این اساس بانک‌ها به لحاظ مالکیت به دو نوع بانک‌های دولتی و خصوصی تقسیم می‌شوند. محدوده مورد مطالعه نیز کل استان‌های کشور است که براساس هدف مطالعه به دو گروه درآمد بالا و پایین با استفاده از شاخص GDP سرانه واقعی تقسیم شده است.<sup>۱</sup> در شکل (۱) تقسیم‌بندی مناطق و مالکیت بانک‌ها و همچنین نحوه بررسی مدل قابل ملاحظه است.

۱. شایان ذکر است که برخی مطالعات دسته‌بندی استان‌ها را براساس سطح توسعه‌یافتگی مناطق انجام داده‌اند و مناطق را به گروه‌های توسعه‌یافته و کمتر توسعه‌یافته تقسیم کرده‌اند.

بررسی قرار خواهد گرفت. به خاطر تابعیت  $Y_{it-1}$  و  $Y_{it}$  از  $\mu_i$  برآوردهای OLS از سازگاری لازم برخوردار نیست (بالتاجی، ۱۳۹۱: ۵۱۵). همچنین اگر جزء اخلاص به صورت سریالی همسته نباشد تخمین زن GLS نیز با فرض اثرات تصادفی برای مدل داده‌های تلفیقی پویا تورش‌دار خواهد بود. بر این اساس روش‌های برآورد دومرحله‌ای 2SLS یا GMM قابل استفاده است. بر اساس نظر ماتیاس و سوستر<sup>۳</sup> برآورد 2SLS به دلیل انتخاب نادرست متغیرهای ابزاری، ضمن ایجاد واریانس‌های بزرگ برای ضرایب، عدم معنی‌داری آماری را نیز در پی دارد. بنابراین، روش گشتاور تعمیم‌یافته (GMM) که توسط آرانو-باند برای حل این مشکل پیشنهاد شده، استفاده می‌شود (بالتاجی<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸: ۲۳۲).

#### ۴- تخمین و تحلیل یافته‌ها

تخمین و تحلیل یافته‌های این مقاله در چهار مرحله صورت می‌پذیرد. در گام اول این بخش به صورت توصیفی روند اعتبارات اعطایی توسط بانک‌های دولتی و خصوصی بحث می‌شود؛ در گام دوم اثر اعتبارات اعطایی کل بانک‌ها بر رشد اقتصادی استان‌ها با سطح درآمد مختلف بررسی می‌شود؛ در گام سوم به صورت مقایسه‌ای تأثیر اعتبارات اعطایی بانک‌های دولتی و خصوصی بر رشد اقتصادی استان‌ها با سطح درآمد بالا و پایین برآورد می‌شود و در نهایت تفاوت اثرگذاری اعتبارات بانک‌ها بر رشد اقتصادی با توجه به نوع مالکیت‌شان از لحاظ معنی‌داری بررسی می‌شود.

در گام نخست پیش از آن که به تخمین مدل و تحلیل استنباطی روابط بین متغیرها پرداخته شود؛ لازم است از لحاظ توصیفی تغییرات متغیر اصلی تحقیق با توجه به نوع مالکیت و میزان اعتبارات بررسی شود که در جدول (۳) نشان داده شده است. متغیر اعتبارات بانکی برای واقعی شدن به شاخص قیمت‌ها<sup>۵</sup> تقسیم شده و سپس با تقسیم بر جمعیت هر استان، اعتبارات اعطایی واقعی سرانه در هر استان حاصل شده است. همچنین سهم متوسط سالانه سرانه اعتبارات اعطایی طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۴ برآورد شده است. علاوه بر این سهم هریک از

$PBC_{i,t}$ : میزان سرانه اعتبارات اعطایی بانک‌های خصوصی در هر استان؛  
 $PEX$ : سرانه مخارج دولت در هر استان؛  
 $URB$ : میزان شهرنشینی که از نسبت کل جمعیت شهرنشین به کل جمعیت استان حاصل می‌شود.  
 $HUM$ : سرمایه انسانی است که با شاخص تعداد معلمان به تعداد دانش‌آموزان در مقطع دبیرستان اندازه‌گیری می‌شود.  
 $Y_{it-1}$ : وقفه متغیر وابسته؛  $\mu_i$  اثر ثابت استان‌ها و  $\varepsilon_i$  خطای استاندارد یا جزء اخلاص است. لازم به ذکر است که تمامی متغیرها حقیقی سازی شده و همچنین با تقسیم بر جمعیت استان‌ها به صورت سرانه در تخمین به کار گرفته شده است. برای برآورد مدل‌های مذکور از الگوی اقتصادسنجی پانل دیتا و نرم‌افزارهای Stata12، Eviews9، Excel2013 استفاده می‌شود. محدوده مورد مطالعه در این پژوهش کل استان‌های کشور می‌باشد که به دو گروه از استان‌های با درآمد بالا و پایین تقسیم شده است. همچنین داده‌های مورد نیاز از سایت بانک مرکزی، اداره داده‌های بانک مرکزی (مراجعه مستقیم)، سایت مرکز آمار ایران، سالنامه آماری استان‌ها طی دوره زمانی این مطالعه ۱۳۹۴-۱۳۸۵ جمع‌آوری شده است.

روش‌های مختلف پانل دیتا از قبیل پانل معمولی، برآوردگر میانگین گروهی (MG)، میانگین گروهی تلفیقی (PMG) و پانل وقفه‌های توزیعی (PARDL) برای برآورد الگوی تجربی وجود دارد. اما در این مطالعه، روش اقتصادسنجی پانل دیتا پویا (GMM)<sup>۱</sup> که توسط آرانو-باند<sup>۲</sup> ارائه شده به کار گرفته می‌شود. علت استفاده از این مدل (GMM) به فرم تبعی مدل اقتصادی مطرح شده مربوط می‌شود که متغیر وابسته رشد اقتصادی به صورت وقفه‌دار در سمت راست معادله (۱) آورده شده است یعنی:

$$Y_{it} = \alpha_0 Y_{it-1} + \beta X'_{it} + \varepsilon_{it} + \mu_i \quad (2)$$

$\alpha$  ضریب متغیر وقفه‌دار،  $X'_{it}$  بردار  $1 * K$  و  $\beta$  بردار  $1 * K$  است.  $\varepsilon_{it}$  اثر ثابت استان‌ها و  $\mu_i$  خطای استاندارد یا جزء اخلاص است. با حضور متغیر وابسته به صورت وقفه  $(Y_{it-1})$  میان متغیرهای توضیحی، مدل به صورت پویا مورد

3. Matias & Suster

4. Baltagi (2008)

۵. برای واقعی کردن این متغیر از شاخص قیمت مصرف‌کننده که در سطح استانی در دسترس بود، استفاده شده است.

1. Generalized Method of Moments (GMM)

2. Arellano-Bond (1991)

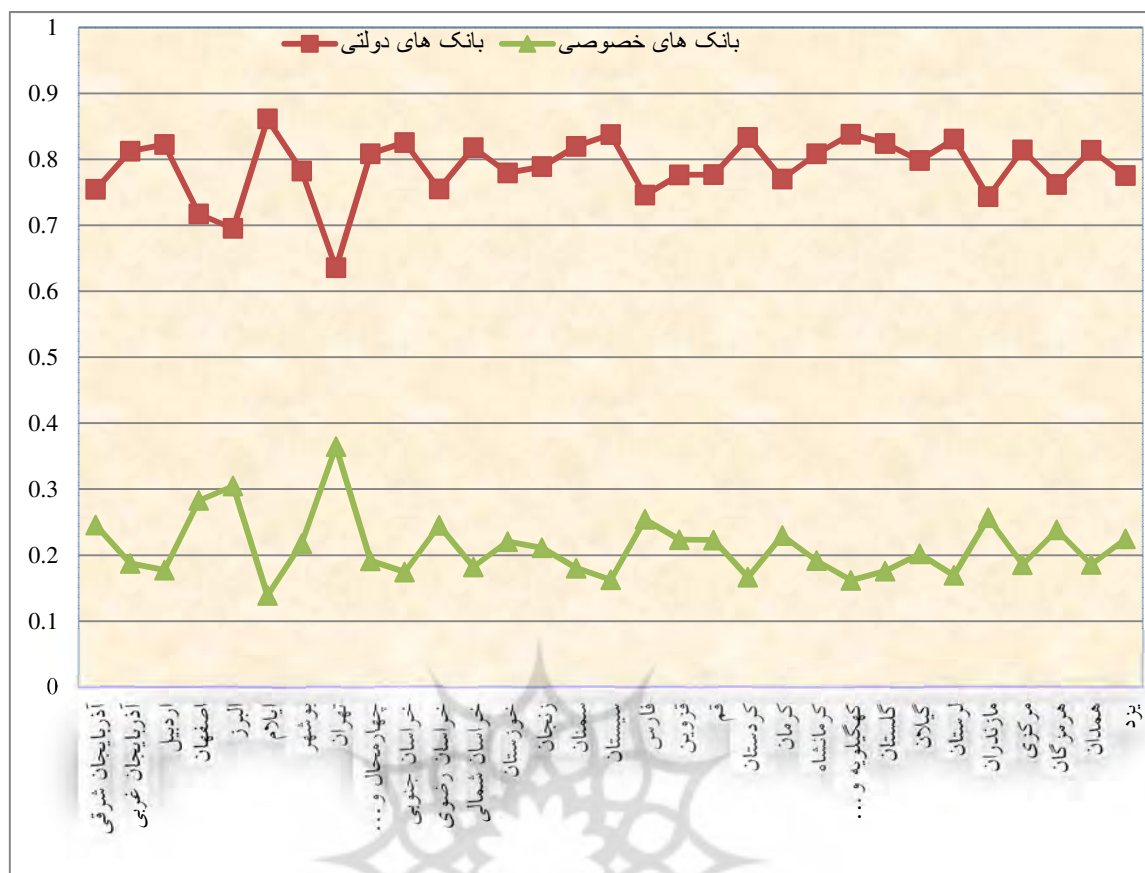
بانک‌های دولتی و خصوصی از اعتبارات اعطایی در هر استان مشاهده است. به صورت درصدی مشخص شده که در جدول (۳) قابل

**جدول ۳. متوسط سالانه سرانه اعتبارات اعطایی به تفکیک مالکیت بانکی طی دوره ۱۳۹۴-۱۳۸۵**

ردیف	استان‌ها	سرانه واقعی اعتبارات اعطایی (میلیون ریال)	سهم بانک‌های دولتی از سرانه اعتبارات اعطایی واقعی (درصد)	سهم بانک‌های خصوصی از سرانه اعتبارات اعطایی واقعی (درصد)
۱	آذربایجان شرقی	۰/۲۷۵	۰/۷۵۴	۰/۲۴۵
۲	آذربایجان غربی	۰/۲۳۶	۰/۸۱۲	۰/۱۸۷
۳	اردبیل	۰/۲۴۰	۰/۸۲۲	۰/۱۷۷
۴	اصفهان	۰/۴۲۱	۰/۷۱۷	۰/۲۸۲
۵	البرز*	۰/۲۴۰	۰/۶۹۵	۰/۳۰۴
۶	ایلام	۰/۴۱۰	۰/۸۶۱	۰/۱۳۸
۷	بوشهر	۰/۳۴۸	۰/۷۸۲	۰/۲۱۷
۸	تهران	۱/۸۷۸	۰/۶۳۵	۰/۳۶۴
۹	چهارمحال و بختیاری	۰/۳۲۴	۰/۸۰۸	۰/۱۹۱
۱۰	خراسان جنوبی	۰/۲۳۴	۰/۸۲۵	۰/۱۷۴
۱۱	خراسان رضوی	۰/۲۱۶	۰/۷۵۴	۰/۲۴۵
۱۲	خراسان شمالی	۰/۱۹۶	۰/۸۱۷	۰/۱۸۲
۱۳	خوزستان	۰/۲۳۱	۰/۷۷۹	۰/۲۲۰
۱۴	زنجان	۰/۳۲۲	۰/۷۸۹	۰/۲۱۰
۱۵	سمنان	۰/۵۰۹	۰/۸۱۹	۰/۱۸۰
۱۶	سیستان	۰/۱۱۱	۰/۸۳۷	۰/۱۶۲
۱۷	فارس	۰/۳۱۱	۰/۷۴۵	۰/۲۵۴
۱۸	قزوین	۰/۳۵۳	۰/۷۷۶	۰/۲۲۳
۱۹	قم	۰/۲۸۲	۰/۷۷۶	۰/۲۲۳
۲۰	کردستان	۰/۱۸۷	۰/۸۳۳	۰/۱۶۶
۲۱	کرمان	۰/۳۰۵	۰/۷۷۰	۰/۲۲۹
۲۲	کرمانشاه	۰/۲۸۲	۰/۸۰۸	۰/۱۹۱
۲۳	کهگیلویه و بویراحمد	۰/۲۳۸	۰/۸۳۸	۰/۱۶۱
۲۴	گلستان	۰/۳۱۱	۰/۸۲۴	۰/۱۷۵
۲۵	گیلان	۰/۳۱۰	۰/۷۹۸	۰/۲۰۱
۲۶	لرستان	۰/۲۳۹	۰/۸۳۰	۰/۱۶۹
۲۷	مازندران	۰/۴۴۶	۰/۷۴۳	۰/۲۵۶
۲۸	مرکزی	۰/۲۷۲	۰/۸۱۴	۰/۱۸۵
۲۹	هرمزگان	۰/۲۴۰	۰/۷۶۱	۰/۲۳۸
۳۰	همدان	۰/۲۱۶	۰/۸۱۴	۰/۱۸۵
۳۱	یزد	۰/۵۴۳	۰/۷۷۵	۰/۲۲۴
	متوسط کل	۰/۳۴۶	۰/۷۸۷	۰/۲۱۲

\*برای پنج سال حساب شده است

مأخذ: اداره داده‌های بانک مرکزی (۱۳۹۵)



نمودار ۱. درصد بانک‌های دولتی و خصوصی از متوسط اعتبارات اعطایی سالانه (۱۳۹۴-۱۳۸۵)

#### مأخذ: یافته‌های تحقیق

درآمد آنها تغییر می‌کند که در نمودار (۱) نشان داده شده است. سهم اعتبارات اعطایی بانک‌های دولتی در استان‌های آذربایجان غربی، اردبیل، ایلام، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، سیستان و بلوچستان، سمنان، کردستان، کهگیلویه و بویراحمد، کرمانشاه، گلستان، لرستان و همدان از متوسط کل بیشتر بوده، اکثریت غالب این استان‌ها جزء استان‌های با سطح درآمد پایین هستند. این در حالی است که سهم اعتبارات اعطایی بانک‌های خصوصی در استان‌های آذربایجان شرقی، البرز، اصفهان، تهران، خوزستان، فارس، قزوین، قم، مازندران، کرمان، هرمزگان، یزد و خراسان رضوی از متوسط کل بیشتر بوده که عموماً استان‌های توسعه‌یافته بوده و از سطح درآمد سرانه بالا برخوردارند.

از تحلیل توصیفی صورت گرفته می‌توان استنباط کرد که در وهله اول بانک‌های دولتی در کشور ایران سهم قابل توجه اعتبارات را ارائه می‌دهند و دولت در این زمینه نقش محوری دارد. دوم اینکه با توجه به سطح توسعه‌یافتگی استان‌ها سهم بانک‌ها از اعتبارات اعطایی تغییر می‌کند به طوری که هر چه

همان طوری که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، استان‌های تهران، یزد، سمنان، مازندران و اصفهان بالاترین سهم از اعتبارات اعطایی کشور را در طی ۱۰ سال گذشته داشته‌اند. استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، آذربایجان غربی، خراسان شمالی و جنوبی، همدان و کهگیلویه و بویراحمد حداقل سهم را دارا می‌باشند. از ۳۱ استان کشور ۲۳ استان از کمتر از متوسط کل و ۸ استان بیش از متوسط کل کشور اعتبار اخذ نموده‌اند که به نوعی توزیع نابرابر تسهیلات بانکی را نشان می‌دهد که می‌تواند در رشد اقتصادی مؤثر واقع شود. سهم بانک‌های دولتی و خصوصی از اعتبارات اعطایی در هر استان نیز نشان می‌دهد که به طور متوسط ۲۱ درصد اعتبارات اعطایی توسط بانک‌های خصوصی و ۷۹ درصد توسط بانک‌های دولتی صورت گرفته است. حداکثر سهم بانک‌های دولتی ۸۳ درصد و حداقل آن ۷۰ درصد است. همچنین حداکثر سهم بانک‌های خصوصی در استان‌ها ۳۱ درصد و حداقل آن ۱۶ درصد است. نکته جالب توجه اینکه سهم بانک‌های دولتی و خصوصی در استان‌ها با توجه به سطح توسعه‌یافتگی و سطح

برای متغیر وقفه‌دار بیانگر حالت همگرایی برای رسیدن به تعادل پایدار است. به عبارتی معنی‌دار بودن این متغیر نشان می‌دهد در حالت عدم تعادل در مدل، این قابلیت وجود دارد که به صورت خودکار به تعادل برگردد. یافته‌های جدول (۴) حاکی از این است که هر چقدر سطح درآمد استان‌ها کاهش می‌یابد متناسب با آن میزان اثر اعتبارات بانکی بر رشد اقتصادی استان‌ها تقویت می‌شود که شدت اثرگذاری آن در مناطق کم درآمد حدود ۰/۱۱ بیشتر از مناطق با سطح درآمد بالا است. به عبارتی اعطای اعتبارات توسط بانک‌ها بر رشد اقتصادی استان‌ها با سطح درآمد پایین مؤثرتر و کارا تر از استان‌های با درآمد بالا است. از این رو، سطح درآمد مناطق در جهت دهی اعتبارات با هدف رشد اقتصادی نقش مؤثری دارد. این یافته با تئوری‌های همگرایی شرطی و غیر شرطی همخوانی دارد که بیانگر بازدهی بالای سرمایه در مناطق توسعه‌نیافته با سطح درآمد پایین نسبت به مناطق با سطح درآمد بالا است.

همان‌طوری که قبلاً اشاره شد برای اندازه‌گیری تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی استان‌ها از نسبت تعداد معلمان به تعداد دانش‌آموزان در مقطع دبیرستان استفاده شده است که می‌تواند بیانگر کیفیت آموزش باشد. با توجه به ضریبی که برای شاخص سرمایه انسانی به دست آمده هر چه تعداد معلمان به دانش‌آموزان افزایش می‌یابد، رشد اقتصادی استان‌ها تقویت می‌شود به عبارتی با بهبود کیفیت آموزش (یعنی افزایش تعداد سرانه معلمان به دانش‌آموزان) و تربیت نیروی انسانی رشد اقتصادی افزایش می‌یابد. در توضیح نتایج به دست آمده؛ متغیر مخارج دولت بر رشد اقتصادی استان‌ها با سطح درآمد سرانه بالا تأثیر مثبت و معنی‌دار دارد؛ اما در استان‌های کم درآمد این رابطه معنی‌دار نیست. این یافته می‌تواند ناشی از این باشد که بخش عمده‌ای از مخارج دولت در استان‌های با سطح درآمد بالا هزینه می‌شود. از نتایج دیگر این مطالعه، نقش مثبت سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی هر دو گروه از استان‌ها است و در نهایت اینکه متغیر نرخ شهرنشینی به صورت ضعیف بر رشد اقتصادی استان‌های با سطح درآمد پایین مؤثر بوده و بر رشد اقتصادی مناطق با درآمد بالا تأثیر معنی‌داری ندارد.

اما نکته مهم در یافته‌های جدول (۴) این است که نه تنها اثرگذاری اعتبارات اعطایی کل بانک‌ها بر رشد اقتصادی مناطق کم درآمد نسبت به مناطق با سطح درآمد بالا بیشتر است؛ بلکه در حالت تفکیک بانک‌ها به دولتی و خصوصی نیز اثر اعتبارات آنها بر رشد اقتصادی در مناطق با سطح درآمد پایین بیشتر از

سطح درآمد استان‌ها بیشتر می‌شوند سهم بانک‌های خصوصی افزایش یافته و بانک‌های دولتی کمتر اعطای اعتبارات می‌کنند. سوم اینکه بانک‌های خصوصی مایل به ارائه خدمات در مناطق با درآمد بالا و سطح توسعه‌یافتگی بالا هستند ولی بانک‌های دولتی به خاطر اهداف کلان اقتصادی جامعه در مناطق کم درآمد نیز اعطای اعتبارات را همانند مناطق با سطح درآمد بالا انجام می‌دهد. براساس نکات مذکور انتظار می‌رود در میزان اثرگذاری اعتبارات اعطایی بانک‌های دولتی و خصوصی با توجه به سطح درآمد استان‌ها متفاوت باشد. برای بررسی این مسئله به تحلیل استنباطی نیاز است تا به نتایج تحلیل‌های توصیفی حاصل شده با قطعیت بتوان استناد کرد. برای این منظور در ادامه الگوهای تجربی تحقیق با استفاده از روش اقتصادسنجی تخمین زده شده و به تحلیل روابط بین متغیرها پرداخته می‌شود.

در گام دوم مدل اصلی تحقیق تخمین زده می‌شود. در این پژوهش به دلیل کوتاه بودن دوره زمانی مورد مطالعه، نسبت به ایجاد رگرسیون کاذب در تخمین مدل‌ها نگرانی وجود ندارد. بر این اساس بدون نیاز به آزمون ایستایی داده‌ها به تخمین مدل تجربی پرداخته می‌شود. در قسمت اول جدول (۴) تأثیرگذاری اعتبارات بانک‌ها با توجه به سطح درآمد استان‌ها بر رشد اقتصادی در دو گروه بررسی شده است. همچنین در گام سوم و بخش دوم جدول (۴)، اعتبارات اعطایی کل بانک‌ها به دو بخش اعتبارات اعطایی بانک‌های دولتی و خصوصی<sup>۱</sup> تقسیم شده و هر کدام به صورت متغیر مستقل در قالب یک مدل مورد آزمون واقع می‌شود تا به صورت مقایسه‌ای میزان اثرگذاری آنها بر رشد اقتصادی استان‌ها با توجه به سطح درآمد آنها برآورد شود.

براساس یافته‌های جدول (۴)، فرض صفر آزمون سارگان در همه برآوردهای صورت گرفته رد نمی‌شود که مبین معتبر بودن متغیر ابزاری انتخاب شده است. همچنین آزمون همبستگی مرتبه دوم آرلانو و باند نشان می‌دهد که بین متغیر ابزاری انتخاب شده و جزء اخلاص همبستگی وجود ندارد. همچنین فرض صفر این آزمون مبنی بر عدم همبستگی در مرتبه دوم رد نمی‌شود و این نشان می‌دهد که مدل‌ها به درستی تخمین زده شده است. همچنین ضریب به دست آمده

۱. داده‌های اعتبارات اعطایی بانک‌ها به تفکیک مالکیت با مراجعه مستقیم به اداره داده‌های بانک مرکزی اخذ شده است.

بانک‌های خصوصی است؛ پس به صورت قطعی می‌توان گفت که مالکیت دولت بر بانک‌ها منجر به جهت‌دهی اعتبارات بیشتر در جهت رشد اقتصادی مناطق کم درآمد بوده است. در حالی که در مناطق توسعه‌یافته مالکیت بانک‌ها چندان نقشی ندارد هر چند اثرگذاری بانک‌های دولتی بیش از بانک‌های خصوصی است اما این اثرگذاری معنی‌دار نیست. یافته‌های پژوهش حاضر با دیدگاه توسعه‌ای گرشنکرون (۱۹۶۵) همخوانی دارد. ضمناً با نتایج تحقیقات برتی و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۴)، بری و اشکلارک<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) و کلمن و فلر<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) همسو بوده است.

در تبیین و توجیه نتایج به‌دست آمده می‌توان گفت که مالکیت در اثرگذاری اعتبارات بانکی بر رشد اقتصادی نقش مؤثری دارد و با توجه به سطح درآمد سرانه و سطح توسعه‌یافتگی استان‌ها میزان اثرگذاری اعتبارات متفاوت می‌شود. همان‌طوری که نتایج نشان داد، بانک‌های دولتی نسبت به بانک‌های خصوصی در رشد اقتصادی استان‌ها از کانال اعتبارات مؤثرتر هستند و این تفاوت در اثرگذاری برای مناطق کم‌درآمد معنی‌دار است، چون بانک‌های دولتی در اعطای اعتبارات اهداف مشابه بانک‌های خصوصی را دنبال نمی‌کنند. بلکه بانک‌های دولتی در پی تحقق اهداف اجتماعی و کلان اقتصادی‌اند. همچنین اثرگذاری بیشتر بانک‌های دولتی بر رشد اقتصادی ناشی از عواملی چون جبران شکست بازار و رفع نارسایی بازار (تأمین مالی پروژه‌های کم بازده با هدف اجتماعی)، نظارت دولت و اجرای سیاست‌های پولی تحریک‌کننده رشد اقتصادی، اعتماد بیشتر مردم به دلیل پشتوانه دولت در نتیجه جذب منابع مالی از طریق سپرده‌ها، برخورداری از منابع مالی ارزان‌تر، غربالگری دقیق کارآفرینان نیازمند به منابع مالی با طرح‌های سودآور و نداشتن رفتارهای غیراخلاقی است. همچنین بانک‌های دولتی در مناطق کمتر توسعه‌یافته به اعطای اعتبارات با احداث شعبات گوناگون اقدام می‌کنند. این در حالی است که بانک‌های خصوصی افتتاح شعب در مناطق توسعه‌نیافته با سطح درآمد پایین را سودآور ارزیابی نمی‌کنند. اما بانک‌های دولتی با فعالیت در این مناطق به دنبال توسعه آنها از طریق دسترسی به خدمات بانکی است که به نوعی بر وظایف دولت جامه عمل می‌پوشانند.

مناطق با سطح درآمد بالا است. از این رو می‌توان گفت که نتایج به‌دست آمده در هر دو حالت (تفکیک و عدم تفکیک بانک‌ها به دولتی و خصوصی) با توجه به سطح درآمد مناطق هم سو هست هر چند که ضرایب آنها متفاوت است. در ادامه یعنی مرحله نهایی این بخش از مقاله حاضر لازم است به هدف اصلی تحقیق یعنی نقش مالکیت در اثرگذاری اعتبارات دو بانک با استفاده از آزمون‌های دقیق پاسخ داده شود. برای بررسی تفاوت ضرایب به‌دست آمده از لحاظ معنی‌داری از آزمون خطی تخمین پارامترها استفاده شده که مبتنی بر دو آماره کای دو ( $X^2$ ) و تی‌استودنت ( $t$ ) است. آماره کای دو، فرض صفر مبین برابری بتا یک با بتا دو در الگوی تجربی پژوهش بوده (یعنی هر دو نوع بانک تاثیر یکسانی دارد و نوع مالکیت در اثرگذاری نقشی ندارد) و فرض مقابل بر نابرابری ضرایب دلالت دارد. همسو با آن براساس آماره تی‌استودنت فرض صفر مبین  $\beta_2$  کوچک‌تر و مساوی  $\beta_1$  است (یعنی بانک‌های خصوصی بر رشد اقتصادی مناطق بیشتر از بانک‌های دولتی تأثیر دارند) و فرض مقابل  $\beta_1$  بزرگ‌تر از  $\beta_2$  را نشان می‌دهد که در جدول (۵) نشان داده شده است.

با توجه به نتایج منعکس شده در جدول (۵) مشاهده می‌شود که تفاوت ضرایب دو متغیر اعتبارات بانک‌های دولتی و خصوصی بر رشد اقتصادی استان‌ها با سطح درآمد سرانه بالا معنی‌دار نیست. به عبارتی می‌توان گفت که میزان اثرگذاری اعتبارات بانکی بر رشد اقتصادی استان‌های با درآمد سرانه بالا توسط هر دو نوع بانک یکسان است. براساس آماره آزمون کای دو فرض صفر مبنی بر برابری  $\beta_1$  با  $\beta_2$  و آزمون تی‌استودنت که  $\beta_2$  برابر یا بزرگ‌تر از  $\beta_1$  است، رد نمی‌شود به عبارتی در سطح احتمال ۵ درصد بانک‌های دولتی به اندازه بانک‌های خصوصی بر رشد اقتصادی مناطق پر درآمد مؤثرند. این یافته با تحلیل‌های توصیفی صورت گرفته در بخش قبلی که نشان می‌داد بانک‌های خصوصی در مناطق توسعه‌یافته بیشتر حضور دارند، همسو است. اما بررسی انجام آزمون‌های مزبور در مناطق کم‌تر توسعه‌یافته با سطح درآمد سرانه پایین با سطح احتمال ۵ درصد، وجود تفاوت در اثرگذاری اعتبارات اعطایی توسط دو نوع بانک را بر رشد اقتصادی نشان می‌دهد. به طوری که فرض صفر هر دو آزمون مبنی بر مساوی و یا بزرگ بودن ضریب  $\beta_2$  نسبت به  $\beta_1$  رد می‌شود. از آنجا که ضریب اثرگذاری بانک‌های دولتی بر رشد اقتصادی استان‌های با سطح درآمد پایین با تفاوت بالای ۵ درصد بیشتر از

1. Bertay et al. (2014)

2. Brei & Schclarek (2013)

3. Coleman & Feler (2015)

جدول ۴. اثر اعتبارات بانکی بر رشد اقتصادی با توجه به سطح درآمد استان‌ها

بدون تفکیک مالکیت بانکی				
استان‌ها	استان‌های با سطح درآمد سرانه بالا		استان‌های با سطح درآمد سرانه پایین	
var↓	ضرایب	انحراف معیار	ضرایب	انحراف معیار
C	۲/۵۸۴*	۰/۳۶۶	۴/۹۸۹*	۰/۳۳۶
Y <sub>it-1</sub>	۰/۵۲۰*	۰/۰۵۴	۰/۱۰۰***	۰/۰۵۵
TBC	۰/۰۹۷*	۰/۰۳۷	۰/۲۱۶*	۰/۰۴۰
EXP	۰/۰۱۷***	۰/۰۰۹	-۰/۰۱۷	۰/۰۱۲
HUM	۰/۰۶۱*	۰/۰۱۲	۰/۰۴۷**	۰/۰۱۹
URB	۰/۵۹۳	۰/۶۰۱	۰/۷۸۰***	۰/۴۸۰
SAR	۱۱/۰۶۹ (۰/۰۹۹)		۱۱/۸۲ (۰/۹۹۶)	
M <sub>1</sub>	-۲/۰۶۸ (۰/۰۳۸)		-۰/۶۹۸ (۰/۴۸۵)	
M <sub>2</sub>	-۰/۶۹۲ (۰/۴۸۸)		۱/۴۷۰ (۰/۱۴۱)	
به تفکیک مالکیت بانکی				
	استان‌های با درآمد سرانه بالا		استان‌های با درآمد سرانه پایین	
var↓	ضرایب	انحراف معیار	ضرایب	انحراف معیار
C	۲/۷۵۷*	۰/۳۸۷	۵/۴۲۶*	۰/۳۷۸
Y <sub>it-1</sub>	۰/۴۷۶*	۰/۰۶۰	۰/۲۹۴*	۰/۰۷۸
GBC	۰/۰۴۹***	۰/۰۲۶	۰/۱۱۵*	۰/۰۳۱
PBC	۰/۰۲۹*	۰/۰۰۵	۰/۰۵۶*	۰/۰۰۹
EXP	۰/۰۲۰**	۰/۰۰۹	-۰/۰۱۱	۰/۰۱۵
HUM	۰/۰۶۴*	۰/۰۱۵	۰/۰۰۸	۰/۰۱۹
URB	۰/۲۸۵	۰/۷۳۵	۰/۲۲۲	۰/۵۶۲
SAR	۱۱/۳۲۶ (۰/۹۹۷)		۱۰/۰۵۹ (۰/۹۹۹)	
M <sub>1</sub>	-۲/۰۶۵ (۰/۰۳۸)		۰/۴۳۲ (۰/۶۶۵)	
M <sub>2</sub>	۰/۶۹۳ (۰/۴۸۷)		۰/۹۰۰ (۰/۳۶۷)	

مقادیر داخل پرانتز بیانگر آماره آزمون‌های سارگان و همبستگی است.

\* معنی‌دار در سطح یک درصد، \*\* معنی‌دار در سطح ۵ درصد و \*\*\* معنی‌دار در سطح ۱۰ درصد

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۵. بررسی معنی‌داری تفاوت ضرایب بانکی با استفاده از دو آماره X<sup>2</sup> و t

استان‌های با سطح درآمد بالا			
H <sub>0</sub> فرضیه	آزمون‌ها	آماره	سطح احتمال
$\beta_1 = \beta_2$	آزمون کای دو	۰/۶۷۱	۰/۴۱۳
$\beta_1 \leq \beta_2$	آزمون تی-استیودنت	۰/۸۴۴۷	۰/۲۸۱
استان‌های با سطح درآمد پایین			
H <sub>0</sub> فرضیه	آزمون‌ها	آماره	سطح احتمال
$\beta_1 = \beta_2$	آزمون کای دو	۴/۰۵۱	۰/۰۴۴
$\beta_1 \leq \beta_2$	آزمون تی-استیودنت	۲/۰۲۷	۰/۰۰۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق

گروه از استان‌ها نسبت به بانک‌های خصوصی بر رشد اقتصادی تاثیر بیشتری دارند. اما اثرگذاری بیشتر بانک‌های دولتی بر رشد اقتصادی استان‌های با سطح درآمد بالا معنی‌دار بود به عبارتی بانک‌های دولتی در رشد اقتصادی مناطق کمتر توسعه‌یافته مؤثرتر از بانک‌های خصوصی هستند. اما اعطای اعتبارات توسط هر دو نوع بانک در رشد اقتصادی استان‌های با سطح درآمد بالا تفاوتی ندارند. این یافته با دیدگاه طرفداران دخالت دولت در بانک‌ها همخوانی دارد. همچنین خروجی مزبور با دیدگاه توسعه‌ای که معتقد بر دخالت دولت در گسترش بازارهای مالی است، همسو می‌باشد. بر این اساس می‌توان گفت با افزایش سطح درآمد و سطح توسعه‌یافتگی استان‌ها اثر اعتبارات اعطایی بانک‌های خصوصی بر رشد اقتصادی بیشتر می‌شود و با کاهش سطح درآمد استان‌ها اثر اعتبارات بانک‌های دولتی بر رشد اقتصادی مناطق ارتقا می‌یابد.

به صورت اجمالی می‌توان گفت که نقش مالکیت بانک‌ها در رشد اقتصادی استان‌ها از کانال اعتبارات قابل انکار نیست. بانک‌های دولتی برای پوشش نیاز مالی در مناطق کم درآمد حضور می‌یابند و در راستای تحقق اهداف کلان توسعه مالی مناطق تسهیلات حمایتی ارائه می‌دهند و با توجه به بازدهی بالا سرمایه‌گذاری در این مناطق زمینه رشد اقتصادی بیشتر را فراهم می‌آورند. همچنین بانک‌های دولتی در شرایط بد اقتصادی به دلیل دسترسی به منابع مالی بیشتر کاهش اعطای اعتبارات از جانب بانک‌های خصوصی را جبران می‌کنند و با رفتار ضد سیکلی برای حفظ تعادل در بازار اعتبارات در افزایش رشد اقتصادی مؤثرتر از بانک‌های خصوصی عمل می‌کنند. علاوه بر این بانک‌های دولتی به دلیل نداشتن اهداف انتفاعی از فعالیت‌های مختل‌کننده رشد اقتصادی مانند بنگاه‌داری و رفتارهای کژمنشی امتناع می‌ورزند. حال با توجه به نتایج به‌دست آمده، پیشنهادهای سیاستی زیر جهت بهبود عملکرد اعتبارات اعطایی از سوی بانک‌ها به شرح زیر ارائه می‌گردد:

- حمایت از بانک‌های دولتی به دلیل حرکت در راستای تحقق اهداف کلان اقتصادی مانند ارتقاء رشد اقتصادی؛
- حمایت از حضور بانک‌های دولتی در مناطق کمتر توسعه‌یافته برای ایجاد رونق اقتصادی در این مناطق؛
- لزوم بازبینی در تصمیمات خصوصی‌سازی بانک‌های دولتی به دلیل نقش آفرینی بهتر این بانک‌ها در رشد اقتصادی نسبت به بانک‌های خصوصی؛

بر این اساس بانک‌های دولتی در جهت‌دهی اعتبارات به تولید و اشتغال نسبت به بانک‌های خصوصی موفق‌تر عمل کرده‌اند. هرچند برخی محققان قبلی از بانک‌های خصوصی و خصوصی‌سازی بانک‌ها حمایت می‌کنند، ولی براساس نتایج حاصل شده، اعتبارات اعطایی بانک‌های خصوصی به اندازه بانک‌های دولتی در تحریک رشد اقتصادی مؤثر نیستند. این اثرگذاری کم می‌تواند ناشی از عواملی از قبیل نبود نظارت کافی بر بانک‌های خصوصی، انحراف در اعطای اعتبارات، داشتن هدف حداکثرسازی سود، عدم پاسخگویی در شرایط نارسایی بازار، اعتماد کم مردم و انجام برخی فعالیت‌های بنگاه‌داری با هدف کسب سود باشد. پس می‌توان گفت اثرگذاری عامل مالکیت بانکی بر رشد اقتصادی با مقوله داشتن اهداف اجتماعی و کلان اقتصادی همسو است. هر چقدر بانک‌ها همسو با سیاست‌های تعیین شده بر رشد اقتصادی اعطای اعتبار کنند به همان میزان تأثیر مثبت بیشتر بر رشد اقتصادی می‌گذارند.

## ۵- بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش مالکیت بانکی در اثرگذاری اعتبارات بانکی بر رشد اقتصادی با توجه به سطح درآمد استان‌ها بود. برای این منظور از روش اقتصادسنجی پانل پویا طی دوره ۱۳۹۴-۱۳۸۵ استفاده شد. همچنین بانک‌ها به دو دسته دولتی و خصوصی تقسیم شد و استان‌ها نیز براساس تولید ناخالص سرانه در دو گروه با سطح درآمد سرانه بالا و پایین رتبه‌بندی شد. نتایج تحلیل‌های توصیفی نشان داد که بانک‌های خصوصی بیشتر در مناطق با سطح درآمد بالا و بانک‌های دولتی در مناطق با سطح درآمد پایین اعطای اعتبارات می‌کنند. از میزان اعتبارات اعطایی در هر استان برای یک سال به طور متوسط ۲۶ تا ۳۱ درصد آن را بانک خصوصی و حدود ۶۹ تا ۷۴ درصد را بانک‌های دولتی پوشش می‌دهند. نتایج حاصل از برآورد اثر اعتبارات اعطایی کل بانک‌ها بر رشد اقتصادی نشان داد که مناطق کم درآمد در جذب منابع مالی برای ایجاد رشد اقتصادی نسبت به مناطق توسعه‌یافته با سطح درآمد بالا مستعدتر هستند؛ حتی با تفکیک مالکیت بانک‌ها نیز یافته‌ها مبین اثرگذاری بیشتر هر دو نوع بانک بر رشد اقتصادی استان‌های با سطح درآمد پایین نسبت به درآمد بالا بودند. همچنین نتایج نشان داد که بانک‌های دولتی در هر دو



رشد اقتصادی از طریق اعطای اعتبارات هدفمند افزایش یابد.

- توصیه می‌شود بر رفتار وام‌دهی بانک‌های خصوصی در مناطق کم درآمد نظارت بیشتر صورت گیرد تا مشارکت آنها در

## منابع

- ابوترابی، محمدعلی؛ فلاحی، محمدعلی؛ سلیمی‌فر، مصطفی و حسینی، سید محمد (۱۳۹۴). "اثر مالکیت دولتی بانک‌ها بر رابطه علی توسعه مالی - رشد اقتصادی در ایران". *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، دوره ۱۵، شماره ۴، ۹۹-۱۲۶.
- امام‌وردی، قدرت‌الله؛ فراهانی، مهدی و شقاقی، فاطمه (۱۳۹۰). "بررسی تطبیقی اثر گسترش بازارهای مالی بر رشد اقتصادی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه با روش داده‌های تلفیقی ۲۰۰۸-۱۹۷۵". *فصلنامه علوم اقتصادی*، دوره ۴، شماره ۱۴، ۷۲-۴۵.
- امینی، امراالله و امامی، مصطفی (۱۳۹۰). "ساختار قانونی نظارت بر فعالیت شرکت‌های دولتی و واگذاری آنها". *نشریه حسابرس*، دوره ۱۳، شماره ۵۵، ۱۳-۱.
- باقری، محمود و سفیداری، سیاوش (۱۳۹۱). "فرایند گذار بانک‌ها از مالکیت دولتی به خصوصی با نظر به دلایل طرفداران دولتی و خصوصی بودن مالکیت در بانک‌ها". *فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه*، دوره ۱۷، شماره ۳، ۵۱-۲۵.
- بالتاجی، بدی (۱۳۹۱). "اقتصادسنجی". مترجمان: رضا طالب‌لو، شعله باقری پر مهر، تهران نشر نی، چاپ اول، ۵۱۵-۵۳۰.
- بهرامی، جابر؛ پهلوانی، مصیب و جانسوز، پری‌ناز (۱۳۹۱). "تأثیر اعتبارات بانکی بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه با استفاده از GMM". *پژوهش‌های پولی و بانکی*، دوره ۶، شماره ۱۵، ۹۶-۷۷.
- دلخواه، جلیل؛ مشبکی، اصغر؛ دانایی‌فرد، حسن و خداداد حسینی، حمید (۱۳۹۰). "ارزیابی کارایی بانک‌های دولتی در مقایسه با بانک‌های خصوصی در ایران". *چشم‌انداز مدیریت بازرگانی*، دوره ۳۹، شماره ۶، ۱۱۵-۹۳.
- رضایی، حسن و سلیمی‌فر، مصطفی (۱۳۹۳). "رابطه توسعه مالی
- منطقه‌ای و رشد اقتصادی (تحلیل مبتنی بر داده‌های تابلویی)". *مجله اقتصاد و توسعه منطقه‌ای*، دوره ۲۲، شماره ۹، ۶۸-۹۴.
- سعیدی، پرویز (۱۳۸۸). "ارزیابی نقش تسهیلات شبکه بانکی در رشد اقتصادی". *پژوهشنامه اقتصادی*، ویژه‌نامه بانک، دوره ۲، شماره ۶، ۱۹۳-۱۶۷.
- لشکری، محمد و هژبرالساداتی، مرتضی (۱۳۸۹). "خصوصی‌سازی بانک‌ها و تأثیرات آن بر افزایش کارایی و بهبود عملکرد بانک‌ها". *نشریه راهبرد یاس*، شماره ۲۳، ۱۴۸-۱۳۵.
- مجتهد، احمد و حسن‌زاده، علی (۱۳۸۴). "پول و بانکداری نهادهای مالی تهران". انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، جلد دوم.
- مجتهد، احمد و محرابی، لیلا (۱۳۸۷). "خصوصی‌سازی بانک‌ها و تأثیر آن بر عملکرد نظام بانکی". تهران، نشر پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران، چاپ اول، جلد اول.
- محرابی، آزاده و شفائی، بهزاد (۱۳۸۹). "تأثیر اعتبارات بانکی بر رشد اقتصادی در ایران". *فصلنامه علوم اقتصادی*، دوره ۳، شماره ۱۰، ۷۰-۵۳.
- محمدنژاد، نیما؛ فطرس، محمدحسن و معصومی، محمدرضا (۱۳۹۴). "تحلیل ارتباط بین اعتبارات بانکی و رشد اقتصادی". *دوفصلنامه اقتصاد پولی و مالی (دانش توسعه سابق)*، دوره ۲۲، شماره ۱۰، ۲۱-۱.
- محمودزاده، محمود و علمی، سیامک (۱۳۹۱). "نابرابری و رشد اقتصادی در استان‌های کشور". *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، دوره ۲۰، شماره ۶۴، ۱۴۸-۱۳۱.

Alesina, A. & Rodrik, D. (1994), "Distributive Politics and Economic Growth". *Quarterly Journal of Economics*, 109(2), 465-490.

Andrianova, S., Demetriades, P. & Shortland,

A. (2010). "Government Ownership of Banks, Institutions and Economic Growth". *Economica*, 11(1), 449-469.

Arellano, M. & Bond, S. (1991). "Some Tests of Specification for Panel Data, Monte

- Carlo Evidence and an Application to Employment Equations". *The Review of Economic Studies*, 58(2), 277-297.
- Baltagi, B. H. (2008). "Econometric Analysis of Panel Data". *Chichester: John & Sons Ltd*, 3 Editions.
- Beck, T., Levine, R. & Loayza, N. (2000). "Finance and the Sources of Growth". *Journal of Financial Economics*, 58(1-2), 261-300.
- Becsi, Z. & Wang, P. (1997). "Financial Development and Growth". *Economic Review*, 4, 46-62.
- Berkowitz, D., Hoekstra, M. & Schoors, K. (2014). "Bank Privatization, Finance, and Growth". *Journal of Development Economics*, 110(40), 93-106.
- Bertay, A-C., Demirgüç-Kunt, A. & Huizinga, H. (2014). "Bank Ownership and Credit Over the Business cycle: Is Lending by State Banks Less Procyclical". *Journal of Banking & Finance*, 50(38), 326-339.
- Boubakri, N., Cosset, J. C., Fischer, K. & Guedhami, O. (2005). "Privatization and Bank Performance in Developing Countries". *Journal of Banking & Finance*, 29(8-9), 2015-2041.
- Brei, A. & Schclarek, A. (2013). "Public Bank Lending in Times of Crisis". *Journal of Financial Stability*, 9(4), 820-830.
- Brei, M. & Schclarek, A. (2015). "Theoretical Model of Bank Lending: Does Ownership Matter in Times of Crisis?". *Journal of Banking & Finance*, 50(37), 298-307.
- Claessens, S., Demirgüç-Kunt, A. & Huizinga, H. (2001). "How Does Foreign Entry Affect the Domestic Banking Market". *Journal of Banking and Finance*, 25(5), 891-911.
- Clarke, G. R. G., Cull, R. & Shirley, M. M. (2005). "Bank Privatization in Developing Countries: A Summary of Lessons and Findings". *Journal of Banking & Finance*, 29(8-9), 1905-1930.
- Coase, R. H. (1960). "The Problem of Social Cost". *Journal of Law and Economics*, 3(1), 1-44.
- Cole, S. (2009). "Fixing Market Failures or Fixing Elections: Agricultural Credit in India". *American Economic Journal: Applied Economics*, 1(1), 219-250.
- Coleman, N. & Feler, L. (2015). "Bank Ownership, Lending, and Local Economic Performance During the 2008-2009 Financial Crisis". *Journal of Monetary Economics*, 71, 50-66.
- Cornett, M. M., Guo, L., Khaksari, S. & Tehranian, H. (2010). "The Impact of state Ownership on Performance Differences in Privately-Owned Versus State-Owned Banks: An International Comparison". *Journal of Financial Intermediation*, 19(1), 74-94.
- Demurger, S. J. D., Sachs, W. T., Woo, S., Chang, G. & Bao, H. (2002). "The Relative Contributions of Location and Preferential Policies in China's Regional Development: Being in the Right Place and Having the Right Incentives". *China Economic Review*, 13(14), 444-465.
- Diallo, B. & Al-Titi, O. (2017). "Local Growth and Access to Credit: Theory and Evidence". *Journal of Macroeconomics*, 54, 410-423.
- Diamond, D. W. (1991). "The Choice between Bank Loans and Directly Placed Debt". *The Journal of Political Economy*, 99(4), 689-721.
- Dinç, I. S. (2005). "Politicians and Banks: Political Influences on Government-Owned Banks in Emerging Markets". *Journal of Financial Economics*, 77(2), 453-479.
- Dong, Y., Liu, Z., Shen, Z. & Sun, Q. (2016). "Does State Ownership Really Matter in Determining Access to Bank Loans? Evidence from China's Partial

- Privatization". *Pacific-Basin Finance Journal*, 4, 73-85.
- Esty, B. C. & Megginson, W. L. (2003). "Creditor Rights, Enforcement, and Debt Ownership Structure: Evidence from the Global Syndicated Loan Market". *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 38(1), 37-60.
- Freixas, X. & Rochet, J-C. (2008). "Microeconomics of Banking". *The MIT Press*. Second Edition, 15-40.
- Gerschenkron, A. (1962). "Economic Backwardness in Historical Perspective". *Rivista Internazionale di Scienze Sociali*, 34(4), 415-417.
- Greene, W. H. (2008). "Econometric Analysis – Sixth Edition". New Jersey, *Upper Saddle River: Pearson International*.
- Hamilton, A. (1781). "Banks and Politics in America: From the Revolution to the Civil War". *Princeton University Press*, Princeton, 36.
- Hao, C. (2006). "Development of Financial Intermediation and Economic Growth: The Chinese Experience". *China Economic Review*, 17(4), 347-362.
- Kapur, Basant K. (1974). "Monetary Growth Models of Less Developed Economies". *Stanford University, Ph.D. Thesis*.
- Kendall, J. (2012). "Local Financial Development and Growth". *Journal of Banking & Finance*, 36(5), 1548-1562.
- Körner, T. & Schnabel, I. (2011). "Public Ownership of Banks and Economic Growth". *Economics of Transition*, 19(3), 407-441.
- Laporta, R., López-de-Silanes, F. & Shleifer, A. (2002). "Government Ownership of Banks". *Journal of Finance*, 57(2), 265-301.
- Levine, R. (1997). "Financial Development and Economic Growth: Views and Agenda". *Journal of Economic Literature*, 35(2), 688-726.
- Levine, R. (2002). "Bank-Based or Market-Based Financial Systems: Which is Better". *NBER Working Paper*, 11(9138), 398-428.
- Levine, R., Loayza, N. & Beck, T. (2000). "Financial Intermediation and Growth: Causality and Causes". *Journal of Monetary Economics*, 46(1), 31-77.
- Liang, Z. (2006). "Financial Development, Growth, and Regional Disparity in Post-Reform China". *Research Paper*, 90(10), 1-18.
- Megginson, W. L. (2005). "The Economics of Bank Privatization". *Journal of Banking & Finance*, 29(27), 1931-1980.
- Micco, A. & Panizza, U. (2006). "Bank Ownership and Lending Behavior". *Economics Letters*, 93(2), 248-254.
- Onder, Z. & Ozyıldırım, S. (2010). "Banks, Regional Development Disparity and Growth: Evidence from Turkey". *Cambridge Journal of Economics*, 34(6), 975-1000.
- Onder, Z. & Ozyıldırım, S. (2013). "Role of Bank Credit on Local Growth: Do Politics and Crisis Matter?". *Journal of Financial Stability*, 9(1), 13-25.
- Peng, J., Groenewold, N., He, J., Li, Z. & Yi, Y. (2010). "Regional Finance and Regional Disparities in China". *Discussion Paper, University of Western Australia*, 8(2), 1-26.
- Persson, T. & Tabellini, G. (1994). "Is Inequality Harmful for Growth?". *American Economic Review*, 84(3), 600-621.
- Yang, G. & Li, M. (2004). "Research on China's Unbalanced Credit Flow and Differential Financial Policy Implementation". *Journal of Financial Research (in Chinese with English)*

abstract), 291(9), 119-133.  
 Ying, L. G. (2000). "Measuring the Spillover

Effects: Some Chinese Evidence". *Papers in Regional Science*, 79(1), 75-89.

